



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



سلسلہ مباحث مہذوبت

غیبتِ صفری



علی اصغر دہلوی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

غیبت صغری

نویسنده:

علی اصغر رضوانی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	غیبت صغری
۹	مشخصات کتاب
۹	مقدمه ناشر
۹	مبدأ غیبت صغری
۹	حکمت غیبت صغری
۱۰	امتیاز عصر غیبت صغری
۱۰	زمینه‌سازی خداوند برای امامت حضرت
۱۰	زمینه‌سازی معصومین برای غیبت
۱۰	اشاره
۱۰	(۱) رسول اکرم صلی الله علیه وآله
۱۱	(۲) امام علی علیه السلام
۱۱	(۳) امام حسن علیه السلام
۱۱	(۴) امام حسین علیه السلام
۱۲	(۵) امام سجاد علیه السلام
۱۲	(۶) امام باقر علیه السلام
۱۲	(۷) امام صادق علیه السلام
۱۲	(۸) امام کاظم علیه السلام
۱۳	(۹) امام رضا علیه السلام
۱۳	(۱۰) امام جواد علیه السلام
۱۳	(۱۱) امام هادی علیه السلام
۱۴	(۱۲) امام عسکری علیه السلام
۱۴	اشاره

- ۱ - تعلیمات و بیانات ۱۴
- ۲ - کم کردن ارتباطات خود با شیعیان ۱۴
- ۳ - اتخاذ نظام وکالت ۱۴
- ۴ - قربانی کردن برای فرزندش ۱۴
- ۵ - ارائه دادن فرزند خود به خواص از شیعیان ۱۵
- ۱۳) امام مهدی علیه السلام ۱۵
- اختفای از دشمنان ۱۵
- سفیران ناحیه مقدسه ۱۶
- چهار نایب از ناحیه مقدسه ۱۶
- سفیر اول امام مهدی علیه السلام ۱۶
- مدرک سفارت سفیر اول ۱۶
- دفاع از عثمان بن سعید ۱۷
- سفیر دوم امام زمان علیه السلام ۱۷
- سفیر سوم امام زمان علیه السلام ۱۸
- سفیر چهارم امام زمان علیه السلام ۱۸
- اثبات نیابت چهار سفیر حضرت علیه السلام ۱۹
- نحوه ارتباط نواب اربعه با شیعیان ۱۹
- توضیح ۱۹
- ۱ - ارتباط با واسطه و غیر مستقیم ۱۹
- ۲ - ارتباط مستقیم و بی‌واسطه ۱۹
- وظایف و مسئولیت‌های نواب اربعه ۱۹
- اشاره ۲۰
- ۱ - زدودن شک و حیرت مردم درباره وجود امام مهدی علیه السلام ۲۰
- ۲ - حفظ امام مهدی علیه السلام از راه پنهان داشتن نام و مکان آن حضرت ۲۰

- ۳ - سازماندهی و سرپرستی سازمان وکالت ۲۰
- ۴ - پاسخ‌گویی به پرسش‌های فقهی و مشکلات عقیدتی ۲۰
- ۵ - اخذ و توزیع اموال متعلق به امام مهدی علیه السلام ۲۰
- ۶ - مبارزه با غلات و مدعیان دروغین نیابت و باییت ۲۰
- ۷ - مبارزه با وکلای خائن ۲۰
- ۸ - آماده سازی مردم برای پذیرش غیبت کبری ۲۱
- ملاک معیار انتصاب نواب اربعه ۲۱
- توضیح ۲۱
- ۱ - تقیه و رازداری در حدّ بالا ۲۱
- ۲ - صبر و استقامت بسیار عالی و ممتاز ۲۱
- ۳ - نسبت به دیگران فهمیده‌تر بودن ۲۱
- ۴ - حساس نبودن حکومت نسبت به آنان ۲۱
- عوامل ادّعای دروغین سفارت ۲۲
- مدعیان دروغین سفارت ۲۲
- وکالت ناحیه مقدّسه ۲۲
- وظایف سازمان وکالت ۲۲
- توقیعات ناحیه مقدّسه ۲۳
- اشاره ۲۳
- نقش سفیر در توقیعات ۲۳
- مدت زمان صدور توقیع ۲۳
- خطّ حضرت مهدی علیه السلام در توقیعات ۲۳
- فهرست برخی توقیعات ۲۴
- نمونه‌هایی از توقیعات ناحیه مقدّسه ۲۴
- سلسله کتب چاپ شده از مؤلف پیرامون مهدویت ۲۹

۲۹ پی نوشت ها

۳۲ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

غیبت صغری

مشخصات کتاب

سرشناسه: رضوانی علی اصغر، ۱۳۴۱ عنوان و نام پدیدآور: غیبت صغری تالیف علی اصغر رضوانی مشخصات نشر: قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۵. مشخصات ظاهری: ۷۱ ص. فروست: سلسله مباحث مهدویت. شابک: ۳۰۰۰ ریال ۹۶۴-۹۷۳-۰۱۶-۷؛ ۵۰۰۰ ریال چاپ سوم ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۰۱۶-۵؛ ۶۵۰۰ ریال (چاپ چهارم) وضعیت فهرست نویسی: فایا یادداشت: چاپ سوم: پاییز ۱۳۸۶. یادداشت: چاپ چهارم: تابستان ۱۳۸۷. یادداشت: کتابنامه به صورت زیر نویس. موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. — غیبت صغری شناسه افزوده: مسجد جمکران (قم) رده بندی کنگره: BP۲۲۴/۴/۹۵۵ غ ۱۳۸۵ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲ شماره کتابشناسی ملی: م ۸۵-۱۸۳۰۵

مقدمه ناشر

در عصر کنونی که دشمنان بشریت، افکار و عقاید انحرافی را در جامعه جهانی ترویج می‌کنند و منجی موعود واقعی را برای حیات و قدرت پوشالی و کاخ عنکبوتی خود خطرناک می‌دانند، در صدد ایجاد انحراف فرهنگی برآمده‌اند و با پوچ‌گرایی، جامعه بشری و اخلاق و رفتار نیکو را مورد تعرض قرار داده‌اند، بر آن شدیم تا حقیقت مهدویت را با سلسله مباحث مختصر منجی موعود برای مشتاقان علم و فضیلت عرضه نماییم. امید است مورد توجه حضرت حق جلّ و علا قرار گیرد. مدیر مسؤول انتشارات مسجد مقدس جمکران حسین احمدی

مبدأ غیبت صغری

در رابطه با مبدأ غیبت صغری دو نظریه وجود دارد: نظریه اول این که: غیبت صغری از زمان ولادت حضرت مهدی علیه السلام بوده؛ زیرا ولادت حضرت در اختفا و پنهانی بوده است. ولی این نظریه مورد مناقشه واقع شده؛ زیرا بحث در غیبت امام است و در آن هنگام حضرت به مقام امامت نرسیده بود. خصوصاً آن که جماعت زیادی از شیعیان، حضرت را در آن پنج سال قبل از شهادت حضرت عسکری علیه السلام مشاهده کرده‌اند. نظریه دوم این که: غیبت حضرت از زمان شهادت پدرش امام عسکری علیه السلام بوده است. و به طور دقیق می‌توان گفت که بعد از نماز خواندن بر جنازه پدرش، در آن قضیه‌ای که ابوالادیان بصری نقل می‌کند. (۱)

حکمت غیبت صغری

غیبت صغری نشانگر اولین مرحله از امامت حضرت مهدی علیه السلام است، که خداوند متعال تقدیر نمود تا در مدتی نه چندان دور از عموم مردم مخفی بماند و امور شیعه را توسط سفرا انجام دهد. اما این که چرا غیبت صغری قبل از غیبت کبری قرار گرفت ممکن است که جهت آن این باشد که عادت شیعیان در طول عمر امامت بر این بوده که هر زمان اراده می‌کردند خدمت امام خود رسیده و از محضر او استفاده می‌بردند، و با غیبت کلی و تام و تمام هرگز انس نداشتند. لذا برای جا افتادن این موضوع ابتدا غیبت صغری تحقق پیدا کرد که در آن تا اندازه‌ای ارتباط قطع شد. و مردم اگرچه در ابتدا به شک و تردید و تشویش خاطر افتادند ولی بعد از مدتی نه چندان دور شک و تردیدها زایل شده و با مشاهده دلایل قطعی، به وجود حضرت مهدی علیه السلام یقین پیدا کردند. و

بعد از مدتی نه چندان طولانی غیبت کبری شروع شد.

امتیاز عصر غیبت صغری

بنابر قولی شروع غیبت صغری از زمان شهادت امام عسکری علیه السلام بوده است، که از همان زمان امام علیه السلام متولی امر امامت می‌شوند. حضرت خلافت خود را با نصب وکیل اولش هنگام مقابله با جماعت قمیین آغاز نمودند. عصر غیبت صغری از امتیازات ویژه‌ای برخوردار است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم: ۱- در این عصر امام مهدی علیه السلام متصدی امامت و خلافت شد. ۲- در این عصر امام علیه السلام استتار کامل نداشتند، بلکه به جهت مصالح کلی با برخی از خواص یارانش ملاقات برقرار می‌کردند. ۳- در این عصر چهار سفیر وجود داشت که از طرف حضرت به طور خصوص مأمور به رسیدگی امور مردم بوده و رابط بین آنان و حضرت به شمار می‌آمدند.

زمینه‌سازی خداوند برای امامت حضرت

از جمله موضوعاتی که قبل از ولادت امام مهدی علیه السلام اتفاق افتاد که آن را می‌توان زمینه‌ساز امامت حضرت مهدی علیه السلام در کودکی دانست، ولادت امام جواد و امام هادی علیهما السلام است؛ زیرا امام جواد در هشت سالگی یا هفت سالگی، و امام هادی در سن شش سالگی به امامت رسیدند. و لذا بعد از آن که شیعه به امامت این دو امام اعتقاد پیدا نمود، این مسأله زمینه‌ساز اعتقاد به امامت حضرت مهدی علیه السلام و رفع استبعاد از امامت او در سنین پنج سالگی شد.

زمینه‌سازی معصومین برای غیبت

اشاره

موضوع غیبت امام تجربه جدیدی برای امت بود، تجربه‌ای که به این مقدار از غیبت هرگز هیچ امتی به چشم خود ندیده بود، لذا امت و جامعه شیعی احتیاج مبرم به زمینه‌سازی برای ورود به آن داشت. به همین جهت اهل بیت علیهم السلام و حتی رسول خدا صلی الله علیه و آله همگی به طور مکرر به موضوع غیبت امام دوازدهم اشاره صریح داشته‌اند. همان گونه که غیبت صغری قبل از شروع غیبت کبری نیز به جهت زمینه‌سازی و ایجاد انس در بین مردم برای ورود به غیبت کبری بوده است.

(۱) رسول اکرم صلی الله علیه و آله

در بسیاری از روایات از رسول اکرم صلی الله علیه و آله به این موضوع اشاره شده است؛ ابن عباس در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود: «...وجعل من صلب الحسين أئمةً یقومون بأمری و یحفظون وصیتی التاسع منهم قائم اهل بیتی و مهدی امتی أشبه الناس بی فی شمائله و أقواله و أفعاله. یظهر بعد غیبه طویله و حیره مزله فیعلن أمر الله و یظهر دین الله جل و عز...»؛ (۲) «...و از صلب حسین امامانی قرار داد که به امر من قیام کرده و وصیت مرا حفظ خواهند نمود، نهمین از آن‌ها قائم اهل بیت من و مهدی امت من است. او شبیه‌ترین مردم به من در شمایل و اقوال و افعال است. بعد از غیبتی طولانی و حیرتی گمراه کننده ظهور خواهد کرد، آن‌گاه امر خدا را اعلان کرده و دین او را ظاهر خواهد نمود...». امام علی علیه السلام نیز از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: «ثم ینیب عنهم إمامهم ما شاء الله و یكون له غیبتان إحداهما أطول من الأخری ..»؛ (۳) «...آن‌گاه امامشان از میان آن‌ها تا هر زمان که خدا بخواهد غایب خواهد شد. و برای او دو غیبت مقرر شده که یکی از آن دو از دیگری

طولانی تر است...». جابر بن عبدالله انصاری از رسول خدا صلی الله علیه وآله پرسید: «وللقاتم من ولدك غيبة؟ قال: إي وربّي. ثم قرأ هذه الآية: «وَلَيَمَّحَصَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمَّحِقَ الْكَافِرِينَ» (۴)؛ (۵) «آیا برای قاتم از اولاد تو غیبت است؟ فرمود: آری به خدا سوگند. آن گاه این آیه را قرائت نمود: «وَلَيَمَّحَصَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمَّحِقَ الْكَافِرِينَ»».

(۲) امام علی علیه السلام

در بسیاری از روایات از امام علی علیه السلام به آن اشاره نموده است از جمله؛ صدوق در حدیثی به سند خود از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده که فرمود: «للقاتم منا غيبة أمرها طويل كأتى بالشيعة يجولون جولان النعم في غيبته يطلبون المرعى فلا يجدونه ألا فمن ثبت منهم على دينة ولم يقس قلبه لطول أمد غيبة إمامه فهو معي في درجتي يوم القيامة...»؛ (۶) «برای قاتم از ما غیبتی است که زمان و مدت آن طولانی خواهد بود. گویا شیعه را می بینم که به مانند گوسفندان متحیر و سرگردان به دنبال چراگاه می گردد ولی آن را نمی یابد. آگاه باشید! هر کس که در آن زمان بر دین خود ثابت قدم باشد و قلبش به جهت طولانی شدن مدت غیبت سخت نشود، او با من و در مرتبه من در روز قیامت خواهد بود.»

(۳) امام حسن علیه السلام

شیخ صدوق رحمه الله به سند خود در حدیثی نقل می کند که امام حسن مجتبی علیه السلام بعد از مصالحه با معاویه و اعتراض برخی به آن حضرت در این جهت فرمود: «ویحکم ما تدرّون ما عملت، واللّه الذی عملت خیر لشیعتی مما طلعت علیه الشمس أو غربت، ألا تعلمون أنّی إمامکم مفترض الطاعة علیکم وأحد سیدی شباب أهل الجنة بنص رسول الله صلی الله علیه وآله علیّ؟ قالوا: بلی. قال: أما علمتم أنّ الخضر علیه السلام لما خرق السفینة وأقام الجدار وقتل الغلام كان ذلك سخطاً لموسی بن عمران علیهما السلام إذا خفی علیه وجه الحكمة فی ذلك وكان ذلك عند الله تعالی ذكره حکمه وصواباً. أما علمتم أنّه ما منّا أحد إلا ويقع فی عنقه بیعة لطاغیة زمانه إلا القاتم الذی یصلی روح الله عیسی بن مریم علیهما السلام خلفه فإنّ الله عزوجل یخفی ولادته ویغیب شخصه لئلا یكون لأحد فی عنقه بیعة. إذا خرج ذلك التاسع من ولد أخی الحسین بن سیدة الإمام یطیل الله عمره فی غیبتة ثم ینظره بقدرته فی صورة شابّ دون أربعین سنة ذلك لیعلم أنّ الله علی کلّ شیء قدير.»؛ (۷) «وای بر شما! نمی دانید که من چه کردم؟ به خدا سوگند آنچه را من انجام دادم برای شیعیانم از آنچه خورشید بر او طلوع و غروب کرده بهتر است. آیا نمی دانید که من امام شما هستم که اطاعتم بر شما واجب است؟ آیا من یکی از دو آقای جوانان اهل بهشت به تصریح رسول خدا صلی الله علیه وآله نیستم؟ گفتند: آری. فرمود: آیا نمی دانید خضر علیه السلام هنگامی که کشتی را سوراخ و دیوار را بر پا و غلام را کشت، مورد غضب موسی بن عمران قرار گرفت، به جهت آن که حکمت آن را نمی دانست؟ ولی این امر نزد خداوند متعال مطابق حکمت و صواب بود. آیا نمی دانید که هر یک از ما بر گردن خود بیعت طاغوت زمان خود را داریم، جز قائمی که عیسی بن مریم علیهما السلام پشت سر او نماز می گزارد. خداوند عزوجل ولادت او را مخفی خواهد نمود، و شخصش را غایب خواهد کرد تا آن که بر گردن او از جانب هیچ کس هنگام خروج بیعت نباشد. او نهمین از اولاد برادرم حسین و فرزند بهترین زنان است. خداوند عمر او را در غیبتش طولانی خواهد گرداند، آن گاه او را به قدرت خود در صورت جوانی کمتر از چهل سال ظاهر خواهد نمود، تا دانسته شود که خداوند بر هر کاری قدرتمند است.»

(۴) امام حسین علیه السلام

صدوق به سند خود از امام حسین علیه السلام نقل کرده که فرمود: «فی التاسع من ولدی سنّة من یوسف وسنّة من موسی بن

عمران علیهما السلام وهو قائمنا أهل البيت يصلح الله تبارك وتعالى أمره في ليلة واحدة؛ (۸) «در نهمین از فرزندانم سنتی از یوسف و سنتی از موسی بن عمران است. و او قائم ما اهل بیت می‌باشد که خداوند تبارک و تعالی امر او را در یک شب اصلاح خواهد نمود.» و نیز از امام حسین علیه السلام نقل کرده که فرمود: «قائم هذه الأمة هو التاسع من ولدی وهو صاحب الغیبة»؛ (۹) «...قائم این امت همان نهمین از اولاد من است، و او صاحب غیبت می‌باشد...». و نیز فرمود: «... له غیبة یرتدّ فیها أقوام و یثبت علی الدین فیها آخرون...»؛ (۱۰) «... برای او غیبتی است که اقوامی در آن مرتد شده و گروهی دیگر بر دین ثابت خواهند بود...».

(۵) امام سجاد علیه السلام

شیخ صدوق رحمه الله به سندش از امام زین العابدین علیه السلام نقل کرده که فرمود: «تمتد الغیبة بولی الله الثانی عشر من أوصیاء رسول الله و الأئمة بعده علیهم السلام. یا أباخالد! إنَّ أهل زمان غیبتة القائنین یاماتة و المنتظرین لظهوره أفضل من أهل کل زمان، لأنَّ الله تبارک و تعالی أعطاهم من العقول و الأفهام و المعرفة ما صارت به الغیبة عندهم بمنزلة المشاهدة...»؛ (۱۱) «آن‌گاه غیبت به ولی خدای عزوجل دوازدهمین از اوصیای رسول خدا و امامان بعد از او امتداد می‌یابد. ای ابا خالد! همانا اهل زمان غیبت او که به امامتش قائلند و منتظر ظهور او می‌باشند افضل از اهل هر زمان هستند، زیرا خداوند تبارک و تعالی به آن‌ها چنان عقل و فهم و معرفتی داده که غیبت نزد آنان به منزله حضور و مشاهده است...».

(۶) امام باقر علیه السلام

صدوق رحمه الله به سند خود از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: «یأتی علی الناس زمان یغیب عنهم إمامهم. فیا طوبی للثابتین علی أمرنا فی ذلك الزمان. إنَّ أدنی ما یكون لهم من الثواب أن ینادیهم البارئ جلّ جلاله فیقول عبادی و إمامی آمنتم بسرّی و صدقتم بغیبی، فأبشروا بحسن الثواب منی...»؛ (۱۲) «زمانی بر مردم بیاید که امامشان از آن‌ها غایب گردد. پس خوشا به حال کسانی که بر امر ما در آن زمان ثابت قدم باشند. همانا کمترین ثوابی که برای آن‌ها در نظر گرفته شده این است که خداوند باری جلّ جلاله می‌فرماید: ای بنده‌ها و کنیزان من! به سرّ من ایمان آوردید، و غیب مرا تصدیق کردید، بشارت باد شما را به حسن ثواب از جانب من...».

(۷) امام صادق علیه السلام

امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: «الخامس من ولد السابع یغیب عنکم شخصیة»؛ (۱۳) «پنجمین از اولاد، هفتمین کسی است که شخصش از شما غایب خواهد شد.» و نیز فرمود: «أما والله لیغیب عنکم مهدیکم حتی یقول الجاهل منکم ما لله فی آل محمد حاجة»؛ (۱۴) «آگاه باشید! به خدا سوگند! که مهدی شما از بین شما غایب خواهد شد تا این که جاهل از شما می‌گوید: خداوند احتیاجی به آل محمد ندارد...». و نیز فرمود: «إنَّ الغیبة ستقع بالسادس من ولدی وهو الثانی عشر من الأئمة الهداة بعد رسول الله صلی الله علیه و آله، أولهم أمير المؤمنین علی بن أبی طالب و آخرهم القائم بالحق بقیة الله فی الأرض...»؛ (۱۵) «...همانا غیبت در ششمین از فرزندانم واقع خواهد شد. و او دوازدهمین از امامان هدایت بعد از رسول خداست که اول آن‌ها امیر المؤمنین علی بن ابی طالب، و آخر آن‌ها قائم به حق، بقیه الله در روی زمین است...». و نیز فرمود: «إنَّ للقائم غیبة قبل أن یقوم»؛ (۱۶) «همانا برای قائم غیبتی قبل از قیام است.»

(۸) امام کاظم علیه السلام

امام کاظم علیه السلام فرمود: «إذا فقد الخامس من ولد السابع فالله الله في أديانكم لا يزيلنكم أحد عنها، يا بني! إنه لا بد لصاحب هذا الأمر من غيبة...»؛ (۱۷) «هنگامی که پنجمین از اولاد هفتمین مفقود شد پس خدا را خدا را در ادیانتان، کسی شما را از آن جدا نکند، ای فرزندم! همانا به طور حتم برای صاحب این امر غیبتی است...». یونس بن عبدالرحمن می گوید: من بر موسی بن جعفر علیهما السلام وارد شدم و عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! آیا شما قائم به حق می باشید؟ فرمود: «أنا القائم بالحق ولكن القائم الذي يطهر الأرض من أعداء الله عزوجل ويملاها عدلاً كما ملئت جوراً وظلماً هو الخامس من ولدي له غيبة يطول أمدها خوفاً على نفسه...»؛ (۱۸) «من قائم به حقم، ولی قائمی که زمین را از دشمنان خداوند عزوجل پاک کرده و آن را پر از عدالت خواهد نمود آن گونه که پر از ظلم و جور شده همان پنجمین نفر از اولاد من است. برای او غیبتی طولانی است زیرا بر جان او خطر است...». و نیز در بیان قول خداوند متعال «وَأَشِيخَ عَلَيْكُمْ نِعْمَةَ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً» (۱۹) فرمود: «النعمة الظاهرة الإمام الظاهر والباطنة الإمام الغائب. فقلت له: ويكون في الأئمة من يغيب؟ قال: نعم، يغيب عن أبصار الناس شخصه ولا يغيب عن قلوب المؤمنين ذكره وهو الثاني عشر منّا...»؛ (۲۰) «نعمت ظاهر امام ظاهر و نعمت باطن امام غایب است. راوی می گوید: به حضرت عرض کردم: آیا در میان ائمه کسی غایب می شود؟ فرمود: آری شخصش از چشمان مردم غایب می گردد، ولی از قلوب مؤمنان غایب نمی گردد، و او دوازدهمین از ما می باشد...».

۹) امام رضاعلیه السلام

صدوق رحمه الله به سندش از امام رضاعلیه السلام نقل کرده که فرمود: «الرابع من ولدي ابن سيده الإمام يطهر الله به الأرض من كل جور ويقدمها من كل ظلم، وهو الذي يشك الناس في ولادته وهو صاحب الغيبة قبل خروجه...»؛ (۲۱) «... چهارمین از اولاد من، که فرزند بهترین زنان است، خداوند به واسطه او زمین را از هر ظلمی پاک و پیراسته خواهد نمود، و او کسی است که مردم در ولادتش شک خواهند کرد، و اوست صاحب غیبت قبل از خروجش...». و نیز به دعبل فرمود: «... یا دعبل! الإمام بعدی محمد ابنی و بعد محمد ابنه علی و بعد علی ابنه الحسن و بعد الحسن ابنه الحجة المنتظر في غيبته...»؛ (۲۲) «... ای دعبل! امام بعد از من محمد فرزند من است. و بعد از محمد، فرزندش علی و بعد از علی، فرزندش حسن و بعد از حسن فرزندش حجت قائم است. کسی که در غیبتش به انتظار او می نشیند...».

۱۰) امام جوادعلیه السلام

عبدالعظیم حسنی علیه السلام می گوید: من بر آقایم محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام وارد شدم به قصد این که از او درباره قائم سؤال کنم که آیا او مهدی است یا دیگری، حضرت ابتدائاً فرمود: «... یا أبا القاسم! إن القائم منّا هو المهدي الذي يجب أن ينتظر في غيبته ويطاع في ظهوره وهو الثالث من ولدي...»؛ (۲۳) «ای ابا القاسم! همانا قائم از ما همان مهدی است که واجب است در غیبتش انتظار او را کشیده و هنگام ظهورش از او اطاعت شود، و او سومین از اولاد من است...». صقر بن ابی دلف می گوید: به امام جوادعلیه السلام عرض کردم: چرا قائم را منتظر خوانند؟ فرمود: «... لأن له غيبة تكثر أيامها ويطول أمدها فينتظر خروجه المخلصون وينكره المرتابون...»؛ (۲۴) «زیرا برای او غیبتی است که روزهایش زیاد و مدتش طولانی خواهد بود. مخلصین در انتظار خروج او به سر خواهند برد، و شک کنندگان، او را انکار خواهند کرد...».

۱۱) امام هادی علیه السلام

صدوق رحمه الله به سندش از ابی هاشم داوود بن قاسم جعفری نقل می کند که از ابوالحسن (امام هادی علیه السلام) شنیدم که

می فرمود: «... ومن بعدی الحسن ابنی فکیف للناس بالخلف من بعده؟ قال: فقلت: وكيف ذاك يا مولای؟! قال: لأنه لا یری شخصه ولا یحلّ ذکره باسمه...» (۲۵) «جانشین بعد از من فرزندانم حسن است، پس چگونه است شما را به خلف بعد از خلف؟ عرض کردم: چگونه، خداوند مرا فدایت گرداند؟ حضرت فرمود: زیرا شخصش دیده نمی شود و حلال نیست که نامش برده شود...».

۱۲) امام عسکری علیه السلام

اشاره

فعلات‌های امام عسکری علیه السلام را در این زمینه می توان به چند دسته تقسیم نمود:

۱ - تعلیمات و بیانات

امام عسکری علیه السلام در حدیث مبسوطی به احمد بن اسحاق فرمود: «... یا أحمد بن إسحاق! مثله فی هذه الأُمَّة مثل الخضر علیهِ السلام ومثله مثل ذی القرنین، واللّه لیغیبنّ غیبه لا ینجو فیها من الحركه إلا من ثبته اللّهُ عزّوجلّ علی القول بإمامته، ووفّقه فیها الدعاء بتعجیل فرجه...» (۲۶) «... ای احمد بن اسحاق! مثل او در این امت مثل خضر علیهِ السلام و مثلش مثل ذی القرنین است. به خدا سوگند! هر آینه غیبی خواهد نمود که تنها کسانی که خداوند آنان را بر قول به امامت او ثابت کرده، و به دعا بر تعجیل فرجش موفق ساخته، هلاک نخواهند شد...». و نیز فرمود: «... أما أنّ لولدی غیبه یرتاب فیها النَّاسُ إلاّ من عصمه اللّهُ عزّوجلّ»؛ (۲۷) «... آگاه باشید! همانا برای فرزندانم غیبی خواهد بود که در آن مردم شک خواهند کرد جز کسانی که خداوند عزّوجلّ آن‌ها را حفظ کرده باشد.»

۲ - کم کردن ارتباطات خود با شیعیان

مسعودی می گوید: «هنگامی که امر امامت به او رسید با خواص خود و غیر خواص از پشت پرده سخن می گفت، مگر در اوقاتی که او را به خانه سلطان می بردند.» (۲۸) لذا شیعیان حضرت برای ملاقات با او در راه می نشستند تا در آن اوقات حضرت را ملاقات کنند. (۲۹)

۳ - اتخاذ نظام وکالت

گرچه امام عسکری علیه السلام اولین کسی نبود که به نظام وکالت رو آورد، ولی در زمان آن حضرت برای زمینه سازی غیبت فرزندش مهدی علیه السلام آن را توسعه داد. و لذا در این راستا عثمان بن سعید و فرزندش را به عنوان وکیل مورد اعتماد و ثقّه خود معرفی فرمود: «... وأشهدوا علی أنّ عثمان بن سعید العُمَری وکیلی وأنّ ابنه محمد وکیل ابنی مهدیکم»؛ (۳۰) «و شهادت دهید بر این که عثمان بن سعید عمّری وکیل من است و همانا فرزند او محمد وکیل فرزند من، مهدی شماست.» و نیز از وکلای او محمّد بن احمد بن جعفر و جعفر بن صیقل است. (۳۱)

۴ - قربانی کردن برای فرزندش

صدوق به سندش از ابی جعفر عمّری نقل کرده که فرمود: هنگامی که آقا متولد شد، ابو محمّد (عسکری) فرمود: «ابعثوا الی اُبی عمرو، فبعث الیه فصار الیه، فقال: اشتر عشرة آلاف رطل خبزاً وعشرة آلاف رطل لحماً وفزقه - أحسبه قال: - علی بنی هاشم، وعقّ

عنه بکذا و کذا شاء؛» (۳۲) «کسی را نزد ابو عمرو و بفرستید. کسی را فرستادند. هنگامی که آمد، حضرت به او فرمود: «ده هزار پیمانانه نان و ده هزار پیمانانه گوشت بخر و به گمانم فرمود آن را بین بنی هاشم تقسیم کن. و از طرف او فلان تعداد گوسفند عقیقه کن.» و نیز در نامه‌ای به خواص خود در قم دستور داد که از طرف فرزندش عقیقه کرده و به مردم گوشزد کنند که این عقیقه به مناسبت ولادت مولود جدید امام عسکری علیه السلام محمد است. و نیز به خواص خود در بغداد و سامرا نیز چنین نوشت.

۵ - ارائه دادن فرزند خود به خواص از شیعیان

امام عسکری علیه السلام برای تثبیت قلوب شیعیان نسبت به ولادت و امامت فرزندش مهدی علیه السلام او را به تعداد بسیاری از یارانش نشان داد. آن‌ها نیز از آن فرزند معجزاتی مشاهده کردند که موجب یقین به امامت او شد، که از آن جمله می‌توان به احمد بن اسحاق اشعری اشاره نمود. (۳۳)

۱۳) امام مهدی علیه السلام

حضرت علیه السلام با قطع نظر از زمینه‌سازی‌هایی که امامان قبل برای تثبیت مسأله ولادت و امامت و غیبت او داشتند، خود نیز به شخصه در این مسأله دخالت کرده و از راه‌های مختلف درصدد اثبات ولادت و امامت خود برآمدند. اینک به برخی از این راه‌ها اشاره می‌کنیم: ۱ - حضرت کاری کردند که گروهی از بزرگان شیعه بتوانند به ملاقاتش شرفیاب شوند. ۲ - در مواقع ضروری اقدام به انجام کرامت و معجزه می‌نمود. این معجزات بعضاً توسط سفرا و در برخی موارد نیز توسط خود حضرت انجام می‌گرفت. (۳۴) ۳ - آن حضرت شخصاً درصدد پاسخ به سؤال‌های مختلف مردم بر می‌آمد تا اعتقاد و یقینشان نسبت به او بیشتر گردد. ۴ - خطّ خاصّ حضرت نیز از جمله قرائن و دلایلی بود که می‌توانست بر وجود امام عصر علیه السلام دلالت کند؛ زیرا این خطّ در زمان پدرش امام عسکری علیه السلام بین مردم مأنوس بوده است، و لذا از جمله راه‌هایی بود که با رسیدن توقعات از ناحیه مقدّسه، شیعیان به وجود امام زمان خود یقین و اطمینان پیدا می‌نمودند.

اختفای از دشمنان

از آنجا که بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام، حاکمان ظلم و جور نیز درصدد نابودی حضرت بودند، لذا حضرت تدابیری برای اختفای خود از آن‌ها داشت. اینک به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم: ۱ - حضرت خود را جز به کسانی که مخلص و فدایی بودند، نشان نمی‌داد. ۲ - بعد از آن که شخصی به حضور حضرت شرفیاب می‌شد، به او سفارش زیاد می‌شد که این امر را کتمان بدارد و در خبر دادن به شیعیان نهایت احتیاط را داشته باشد. ۳ - تحریم نام بردن از اسم مخصوص امام زمان علیه السلام یعنی «محمد». از این رو مشاهده می‌کنیم که در آن عصر در مورد امام علیه السلام از تعبیراتی همچون: قائم، غریب، حجت، ناحیه، صاحب الزمان و دیگر تعبیرات مبهم استفاده می‌شد. (۳۵) ۴ - مخفی شدن از دستگاه خلافت و هر کس که از موالیان آن حضرت به شمار نمی‌آمد. ۵ - تغییر دادن مکان و خانه حضرت از جایی به جایی دیگر به نحوی که نظرها را به خود جلب نکنند، و نیز کسی به آن حضرت مشکوک نشود. و لذا روایاتی را که در تعیین مکان و خانه حضرت اختلاف دارند به همین معنا توجیه می‌کنیم. ۶ - کیفیت ارتباط و کیل یا سفیر به قدری مخفیانه بود که هیچ کس از آن اطلاعی پیدا نمی‌کرد. ۷ - حضرت و کالت یا سفارت خود را به کسانی واگذار می‌کرد که نهایت اخلاص و فداکاری را به حضرت داشتند، به حدی که محال بود، مکان حضرت و خصوصیات ایشان را اطلاع دهند. لذا هنگامی که به ابوسهل نوبختی گفتند: چرا سفارت به حسین بن روح واگذار شد نه به شما؟ در جواب گفت: «... او کسی است که اگر حجت در زیر عبایش باشد و بدنش را قطعه قطعه کنند تا عبایش را از روی او بردارد هرگز چنین

نخواهد کرد» (۳۶).

سفیران ناحیه مقدسه

چهار نایب از ناحیه مقدسه

امام مهدی علیه السلام در دوران غیبت صغری چهار نفر را به عنوان نایبان خاص خود به شیعیان معرفی نمود. این چهار تن از عالمان بزرگ و پارسای شیعه بوده‌اند؛ و عبارتند از: ۱) ابو عمرو، عثمان بن سعید عمری (۲) ابو جعفر، محمد بن عثمان بن سعید عمری (۳) ابوالقاسم، حسین بن روح نوبختی (۴) ابوالحسن، علی بن محمد سمی گرچه شیخ طوسی رحمه الله و دیگران درباره زندگی این چهار سفیر عالی مقام مطالب کمی نوشته‌اند و لذا نمی‌توان درباره زندگی نامه آن‌ها به قدر کافی اطلاعاتی به دست آورد ولی با این وجود تا اندازه‌ای که مدارک و مستندات تاریخی اجازه می‌دهد در این باره مطالبی را بیان می‌داریم.

سفیر اول امام مهدی علیه السلام

سفیر اول امام مهدی علیه السلام ابو عمرو عثمان بن سعید عمری است. او به جهت شناخته نشدن، به شغل روغن فروشی روی آورد. در مصادر تاریخی سخن از سال ولادت و وفات او به میان نیامده است، و تنها اسم او برای اولین بار به عنوان وکیل خاص امام هادی علیه السلام برده شده است. او بعد از شهادت امام هادی علیه السلام وکیل خاص از طرف امام عسکری علیه السلام شد. آن حضرت نیز او را در مناسبت‌های مختلف مورد مدح و ستایش خود قرار می‌داد. از جمله آن که در حق او فرمود: «هذا أبو عمرو الثقة الأمين، ثقة الماضي وثقتي في المحبي والممات، فما قاله لكم فعنّي يقوله، وما أدى إليكم فعنّي يؤدّيه»؛ (۳۷) «این ابو عمرو، ثقه و امین است، مورد اطمینان گذشتگان و مورد اطمینان من در حیات و بعد از حیات من است، هر آنچه برای شما می‌گوید از من است و آنچه به شما می‌رساند از جانب من می‌باشد.» در مجلسی که او با چهل نفر از شیعیان امام عسکری علیه السلام بودند، حضرت فرزند خود مهدی را به او نشان داد و بر امامت و غیبت او تصریح نمود، و درباره وکالت او فرمود: «هر آنچه عثمان (بن سعید) می‌گوید قبول کنید...» (۳۸) هنگام شهادت امام عسکری علیه السلام در سال ۲۶۰ هجری، در تغسیل حضرت حاضر بود و تمام امور ایشان را به عهده داشت. (۳۹) ممکن است که این عمل را این گونه توجیه نماییم که او در ظاهر، عمل تغسیل را انجام داده تا امر بر حاکمان ظلم مشتبّه گردد و گرنه مطابق برخی روایات، امر تغسیل و تکفین امام بر عهده امام است. عثمان بن سعید بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام به تصریح آن حضرت و نصّ امام مهدی علیه السلام هنگام ورود قتی‌ها به سامرا، سفیر اول آن حضرت شد، و از آن موقع به انجام وظایف خود پرداخت، تا آن که وقت وفاتش رسید. فرزندش ابو جعفر محمد بن عثمان متولّی تجهیز او شد و در جانب غربی بغداد به خاک سپرده شد. (۴۰) بعد از وفات عثمان بن سعید از ناحیه مقدسه نامه‌ای صادر شد و حضرت در آن نامه با تسلیت به فرزندش محمد، او را به سفارت خود منصوب گردانید. (۴۱)

مدرك سفارت سفیر اول

احمد کاتب می‌گوید: روایتی که نصّ صریح در اعلام امام عسکری علیه السلام بر سفارت عثمان بن سعید از طرف امام مهدی علیه السلام است از حیث سند ضعیف می‌باشد؛ زیرا در سند آن، جعفر بن محمد بن مالک فرازی است که نجاشی و ابن الغضائری او را تکذیب نموده‌اند. در پاسخ او می‌گوییم: ۱ - جعفر بن محمد بن مالک را شیخ طوسی رحمه الله توثیق نموده است. و تضعیف او از کتاب ابن الغضائری منشأ شده که این کتاب نزد مشهور علمای امامیه به اثبات نرسیده است. ۲ - شیخ طوسی رحمه الله در کتاب

«الغیبة» به سند اعلائی از بزرگان طایفه از احمد بن اسحاق قمی مسأله توکیل نایب دوم و پدرش را روایت کرده است. (۴۲) ۳ - شیعه در مسأله امامت و سفارت دقت زیادی به کار برده و به مجرد ادعای شخصی بر سفارت، حرف او را تصدیق نمی کرده است، و لذا با مدعیان دروغین سفارت شدیداً به مقابله پرداخته است.

دفاع از عثمان بن سعید

برخی می گویند: موضوع غیبت امام زمان علیه السلام ساخته برخی از اصحاب خصوصاً عثمان بن سعید (نایب اول امام زمان علیه السلام) است. ولی در پاسخ او می گوئیم: اول کسی که به موضوع غیبت امام زمان علیه السلام اشاره کرد رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سپس امیرالمؤمنین علیه السلام و سایر امامان بوده است. آنان غیبت او را پیش بینی کرده و وقوع آن را به مردم گوشزد کرده اند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «سوگند به خدایی که مرا برای بشارت برانگیخت، قائم فرزندان من بر طبق عهدی که به او می رسد غایب می شود، به طوری که بیشتر مردم خواهند گفت: خداوند به آل محمد نیازی ندارد و دیگران در اصل توئسد او شک می کنند، پس هر کس زمان غیبت را درک کرد باید دینش را نگهداری کند...» (۴۳) اصبح بن نباته از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده که فرمود: «آگاه باشید که آن جناب به طوری غایب می شود که شخص نادان خواهد گفت: خدا به آل محمد احتیاجی ندارد.» (۴۴) امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر خبر غیبت امام خود را شنیدید انکار نکنید.» (۴۵) لذا موضوع غیبت امام زمان علیه السلام آن چنان بین شیعیان شایع و رایج بود که شعرا در شعرهایشان و مؤلفان در کتابها به آن پرداخته اند. از جمله کسانی که قبل از ولادت امام زمان علیه السلام در مورد غیبت حضرت مهدی علیه السلام تألیف داشته اند عبارتند از: ۱ - علی بن حسن بن محمد طائی طاطری از اصحاب موسی بن جعفر علیهما السلام. (۴۶) ۲ - علی بن عمر اعرج کوفی از اصحاب موسی بن جعفر علیهما السلام. (۴۷) ۳ - ابراهیم بن صالح از اصحاب حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام. (۴۸) ۴ - حسن بن علی بن ابی حمزه، معاصر امام رضا علیه السلام. (۴۹) ۵ - عباس بن هشام ناشری اسدی، از اصحاب امام رضا علیه السلام. (۵۰) ۶ - علی بن حسن بن فضال از اصحاب امام هادی و عسکری علیهما السلام. (۵۱) ۷ - فضل بن شاذان نیشابوری از اصحاب آن دو امام علیهما السلام. (۵۲)

سفیر دوم امام زمان علیه السلام

ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری بعد از وفات پدرش همان گونه که امام عسکری علیه السلام تصریح نموده بود، به مقام سفارت نایل شد. آن حضرت به جماعت قمی ها فرمود: «اشهدوا علی أن عثمان بن سعید و کیلی، وأن ابنه محمد و کیل ابنی مهدیکم»؛ (۵۳) «شهادت دهید بر من که عثمان بن سعید و کیل من است. و نیز فرزند او محمد و کیل فرزندم مهدی شماست.» و نیز سفارت او با نص و تصریح پدرش به امضا رسید. (۵۴) او نزد شیعیان عصر خود مورد وثوق و معروف به امانت داری بود. و هیچ یک از امامیه در این مطلب شک نداشتند. چگونه شک کنند در حالی که امام عسکری علیه السلام در حق او و پدرش فرمود: «العمری و ابنه ثقتان»؛ (۵۵) «عمری و فرزندش مورد وثوقند...». و نیز امام مهدی علیه السلام او را مورد تأیید خود قرار داد و فرمود: «لم یزل ثقتنا فی حیاة الأب رضی الله عنه»؛ (۵۶) «تو در زمان حیات پدر دائماً مورد وثوق ما بودی...». وی در حدود پنجاه سال به نحو احسن و ظایف خود را به خوبی انجام داد تا آن که در جمادی الاولی سال ۳۰۵ یا ۳۰۴ هجری به رحمت ایزدی پیوست. (۵۷) محمد بن عثمان بیشتر از دیگر سفیران در این پست و مقام به خدمت پرداخت. کتابهایی در فقه تألیف کرده که از امام عسکری و حضرت مهدی علیهما السلام و پدرش عثمان بن سعید و از امام هادی علیه السلام اخذ نموده است. (۵۸) او به ارشاد امام مهدی علیه السلام از زمان مرگش اطلاع داشته است، و لذا برای خود قبری را آماده نموده بود. (۵۹) بعد از وفات در کنار قبر پدرش به خاک

سپرده شد.

سفیر سوم امام زمان علیه السلام

سفیر سوم، شیخ جلیل ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی است. او در ابتدای امر وکیل ابی جعفر محمد بن عثمان عمّری بود که بر املاک او نظارت داشت، تا آن که وصیت با نصّ به او منتهی شد و هیچ کس در این امر شک نداشت. (۶۰) برخی از شیعیان، مالی را برای ابوجعفر عمّری به مقدار چهارصد دینار فرستادند تا به امام زمان علیه السلام برساند، ابوجعفر دستور داد تا آن را به حسین بن روح بدهند. او هنگامی که تردید و شک آن شخص را به جهت ثابت نشدن سفارتش دید، بار دیگر تأکید کرد که این مبلغ را به حسین بن روح برساند، زیرا این دستور امام زمان علیه السلام است. بعد از آن که وضع مزاجی ابوجعفر عمّری بحرانی شد جماعتی از بزرگان شیعه از آن جمله ابوعلی بن همام، ابو عبدالله بن محمد کاتب، ابو عبدالله باقطنی، ابوسهل اسماعیل بن علی نوبختی، ابو عبدالله بن وحناء و دیگر بزرگان، بر او وارد شدند و عرض کردند که اگر بر شما اتفاقی افتاد چه کسی جانشین شما خواهد بود؟ ابوجعفر عمّری فرمود: این ابوالقاسم حسین بن روح، قائم مقام من و سفیر بین شما و صاحب امر علیه السلام است. او وکیل و ثقة امین است، پس در امورتان به او مراجعه نموده و در امور مهم بر او اعتماد نمایید، زیرا من به این مطلب امر شده‌ام تا بر شما ابلاغ نمایم. (۶۱) ابوجعفر بن احمد متیل می گوید: هنگام وفات محمد بن عثمان عمّری من بالای سر او نشسته بودم و از او سؤال می کردم و حسین بن روح نیز بر پایین پای او قرار داشت. محمد بن عثمان روی به من نموده و فرمود: من امر شدم تا بر ابی القاسم بن روح وصیت کنم. من با شنیدن این خبر از جای خود بلند شده، حسین بن علی روح را به جای خود بر بالای سر محمد بن عثمان قرار دادم. (۶۲) جهت این تأکیدات از ناحیه محمد بن عثمان بر وصایت حسین بن روح این بود که او چندان جایگاه ویژه‌ای در بین شیعیان به جهت ارتباط با امامان علیهم السلام نداشته است، اگرچه از نزدیکان خاص محمد بن عثمان بوده است. و سرّ سفارت دادن به او، به جهت اخلاص و فداکاری او بوده است. وی بعد از وفات ابوجعفر عمّری به مدت ۲۱ سال سفارت را بر عهده داشت. اولین نامه‌ای را که از حضرت دریافت کرد مشتمل بر درود فراوان از جانب آن حضرت بر او بود. (۶۳) از آن زمان به وظیفه خود مشغول شد. و روش او التزام به تقیه شدید و مضاعف بود، به حیثی که اظهار اعتقاد به مذهب اهل سنت می نمود تا از این طریق بتواند به وظایف خود عمل کند. او در ایام سفارتش شدیداً با انحرافات و ادعاهای انحرافی سفارت مبارزه می نمود، تا آن که در سال ۳۲۶ هجری رحلت نمود.

سفیر چهارم امام زمان علیه السلام

سفیر چهارم، شیخ جلیل ابوالحسن علی بن محمد سمّری است. تاریخ ولادت او مشخص نیست، ولی برای اولین بار به عنوان یکی از اصحاب امام عسکری علیه السلام شناخته شده است، (۶۴) که در بغداد با اشاره حسین بن روح از طرف امام زمان علیه السلام متصدی امر سفارت شد. در مورد سفارت او خبر معینی نرسیده، و تنها این مطلب را می توان با تسالم و اتفاقی که در بین شیعیان درباره سفارت او بوده کشف نمود، و این موضوع را می توان در نتیجه، کاشف از ابلاغی دانست که از طرف امام زمان علیه السلام به حسین بن روح شده است. او وظایف خود را در امر سفارت از هنگام وفات حسین بن روح به مدت سه سال ادامه داد. وی گرچه همانند دیگران مورد وثوق و اطمینان بود، ولی همانند آن سه سفیر فعالیت گسترده‌ای نداشته است. و این امر بعید به نظر نمی رسد؛ زیرا در آن سالها مملکت اسلامی پر از ظلم و جور و خونریزی‌ها و درگیری‌ها بوده است، اموری که با برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی منافات داشت. و این خود به تنهایی می تواند تأثیرگذار در انقطاع سفارت بعد از وفات او و عزم امام علیه السلام بر انقطاع و شروع غیبت کبری نیز باشد. و لذا چند روز قبل از وفاتش توقیعی را از امام علیه السلام دریافت می کند که حضرت در آن، خبر از

انتهای غیبت صغری و عهد سفارت با مرگ او می‌دهد و او را از وصیت کردن به سفارت برای بعد از خودش منع می‌نماید. (۶۵) راوی می‌گوید: بعد از شش روز از صدور این توقیع به خدمت علی بن محمد رسیدیم در حالی که در حال احتضار بود. به او عرض شد: وصی تو کیست؟ فرمود: «برای خدا امری است که او رساننده آن است». این را گفت و از دار دنیا رحلت نمود.

اثبات نیابت چهار سفیر حضرت علیه السلام

۱ - در مورد عثمان بن سعید می‌گوییم: او مورد وثوق امام عسکری علیه السلام بوده و امام مهدی علیه السلام نیز بر منصبش تصریح نموده است. در مورد فرزندش محمد بن عثمان نیز می‌گوییم: او منصوب از طریق پدرش بوده و غیر از آن که مورد وثوق امام عسکری بوده، از طرف امام زمان علیه السلام نیز بر این امر نیابت خاصه داشته است. حسین بن روح نیز از طرف محمد بن عثمان به این سمت منصوب شد، و او نیز علی بن محمد سمری را بر این مقام منصوب کرد. ۲ - راه دوم برای اثبات نیابت این چهار بزرگوار این است که آن‌ها خط امام را که معروف بود، به دیگران نشان داده، بازگو می‌کردند. خط حضرت در زمان پدرش امام عسکری علیه السلام نزد شیعیان معروف بود. ۳ - کرامات فراوانی که به دست مبارک این بزرگواران انجام می‌گرفت، می‌توانست اثبات کننده سفارت آن‌ها باشد. این کرامات در برخی موارد به دست آن‌ها انجام می‌گرفت و برخی دیگر نیز منسوب به امام زمان علیه السلام بود که آن‌ها به اطلاع شیعیان می‌رساندند، همان گونه که در قضیه معروف از ابوعلی بغدادی رسیده است. (۶۶) سید عبدالله شبر می‌گوید: «شیعه هرگز گفتار نواب را نمی‌پذیرفت مگر در صورتی که معجزه‌ای از طرف امام عصر علیه السلام به دست آن‌ها ظاهر می‌گشت که دلالت بر صدق گفتار و صحت نیابت آن‌ها داشت». (۶۷)

نحوه ارتباط نواب اربعه با شیعیان

توضیح

شیعیان با نواب اربعه دو نوع ارتباط داشتند:

۱ - ارتباط با واسطه و غیر مستقیم

ارتباط با واسطه یک اصل در سازمان سفارت بود، چرا که این سازمان به جهت ظلم عباسیان نمی‌توانست آشکارا و آزادانه فعالیت کند. بنابراین باید در ارتباط با مردم از راه‌های استتاری بهره می‌گرفت.

۲ - ارتباط مستقیم و بی‌واسطه

این ارتباط در آغاز فعالیت نواب اربعه، در دوره غیبت صغری وجود نداشت، زیرا بنا بود که مسأله نیابت خاصه مخفی بماند، تا حاکمان جور بازتاب و واکنشی از خود نشان ندهند. ولی کم‌کم شیعیان به صورت پنهانی نام و نشانی سفیر را از وکلا و خواص گرفتند و توانستند با آنان مستقیماً تماس بگیرند. این کار عمدتاً از زمان سفارت دومین سفیر شروع شد و ادامه یافت. شیخ طوسی درباره این نوع ارتباط می‌نویسد: «عده‌ای از افراد مورد اعتماد نزد سفرای امام مهدی علیه السلام می‌رفتند و با دادن نامه و یا بیان داشتن خواسته‌های خود، پاسخ آن را از ناحیه مقدسه و توسط سفرا دریافت می‌کردند». (۶۸)

وظایف و مسئولیت‌های نواب اربعه

اشاره

وظایف و محور کلی فعالیت‌های نَوّاب اربعه بدین قرار است:

۱ - زدودن شک و حیرت مردم درباره وجود امام مهدی علیه السلام

مهم‌ترین وظیفه‌ای که نَوّاب اربعه به ویژه سفیر اول یعنی عثمان بن سعید عَمَری بر عهده داشت این بود که برای شیعیان ثابت کند، امام عسکری علیه السلام فرزندی دارد که اکنون امام است و او نایب خاص آن حضرت می‌باشد.

۲ - حفظ امام مهدی علیه السلام از راه پنهان داشتن نام و مکان آن حضرت

امام مهدی علیه السلام در توقیعی به محمد بن عثمان بن سعید عَمَری بیان داشت که از ذکر نام و نشان آن حضرت خودداری کند و در جهت پنهان داشتن نام و مکان آن حضرت بکوشد. (۶۹) ابوسهل نوبختی در جواب این سؤال که چرا تو سفیر ناحیه مقدّسه نشدی؟ فرمود: «من نمی‌توانم مانند حسین بن روح سرّ نگهدار باشم». (۷۰)

۳ - سازماندهی و سرپرستی سازمان وکالت

از طریق این سازمان، شیعیان پرسش‌ها و شبهات دینی خود را با وکلا در میان می‌گذاشتند و آنان به واسطه سفیر از ناحیه مقدّسه پاسخ را به شیعیان می‌رساندند، و نیز وجوه شرعی خود را به وکلا می‌دادند و وکلا آن را به مسئول سازمان تحویل می‌دادند.

۴ - پاسخ‌گویی به پرسش‌های فقهی و مشکلات عقیدتی

آنان گاهی پرسش‌های فقهی و مسائل مستحدثه شیعیان را به عرض امام مهدی علیه السلام می‌رساندند و پاسخ آن را دریافت و به شیعیان ابلاغ می‌کردند. (۷۱)

۵ - اخذ و توزیع اموال متعلق به امام مهدی علیه السلام

امام مهدی علیه السلام در روز بعد از رحلت امام حسن عسکری علیه السلام و یا در همان روز، بعد از مراسم خاک سپاری امام عسکری علیه السلام به هیئت قمی‌ها دستور داد که از این به بعد، اموال متعلق به آن حضرت را به وکیلش در بغداد (ابوعمر و عثمان بن سعید عَمَری) تحویل دهند. (۷۲)

۶ - مبارزه با غلات و مدعیان دروغین نبایت و باییت

در راستای همین وظیفه، در این دوره هفتاد ساله هر کسی که به دروغ ادعای باییت و وکالت نمود، مثل حلاج، شلمغانی و دیگران، با آنان به مبارزه برخاستند و از ناحیه مقدّسه توقیعاتی به واسطه آنان صادر شد، و با روشن شدن ماهیت آنان، شیعیان امامیه از این نوع انحرافات مصون ماندند و به سفارت نَوّاب اربعه و وکالت بیشتر اعتماد نمودند.

۷ - مبارزه با وکلای خائن

گاهی برخی از وکلا منحرف می‌شدند و از وظایف اصلی خود عدول می‌کردند. در این صورت مشکلاتی را برای سازمان مخفی

وکالت به وجود می‌آوردند، و گاهی وجوه شرعی را نزد خود نگه می‌داشتند، در این صورت نَوَاب اربعه هر کدام به نوبه خود مسئولیت داشتند تا با آن وکیل خائن مبارزه کنند.

۸ - آماده سازی مردم برای پذیرش غیبت کبری

این وظیفه بیش از همه بر دوش ابوالحسن علی بن محمد سَـمَـرِی آخرین سفیر امام مهدی علیه السلام سنگینی داشت. از این رو امام مهدی علیه السلام از راه اعجاز به او کمک کرد و شش روز قبل از مرگش توقیعی صادر نمود و زمان دقیق وفات وی را بیان داشت تا این که حجت بر همگان تمام شود و اذهان، آماده پذیرش دوره دیگری از غیبت آن حضرت باشد.

ملاک معیار انتصاب نَوَاب اربعه

توضیح

امامان معصوم علیهم السلام بر اساس حکمت رفتار می‌کردند و قطعاً در نصب‌ها یک سری معیارها و ملاک‌هایی را مد نظر داشتند از قبیل:

۱ - تقیه و رازداری در حدّ بالا

سفیر اوّل حضرت، عثمان بن سعید برای رعایت تقیه می‌کوشید تا خود را از بازرسی‌های رژیم عباسی دور نگه دارد. او بدین منظور در هیچ بحث و مجادله مذهبی یا سیاسی به صورت آشکار درگیر نمی‌شد. (۷۳) حسین بن روح نیز در راستای رعایت و حفظ تقیه، یکی از خدمتگزاران خود را تنها به این دلیل که معاویه را لعن نمود عزل و اخراج کرد. (۷۴)

۲ - صبر و استقامت بسیار عالی و ممتاز

عده‌ای از ابوسهل نوبختی پرسیدند: چرا تو نایب خاص حضرت نشدی؟ او در جواب گفت: «آنان (امامان علیهم السلام) بهتر از همه می‌دانند که چه کسی لایق این مقام است. من آدمی هستم که با دشمنان رفت و آمد دارم و با آنان مناظره می‌کنم. اگر آنچه را که ابوالقاسم حسین بن روح درباره امام مهدی علیه السلام می‌داند من می‌دانستم، شاید در بحث‌هایم با دشمنان، آن‌گاه که جدال و لجاجت آنان را می‌دیدم، می‌کوشیدم تا دلایل بنیادی را بر وجود امام ارائه دهم و در نتیجه محل اقامت او را برملا می‌ساختم. اما اگر ابوالقاسم حسین بن روح، امام را زیر عبای خود پنهان داشته باشد، و بدنش را با قیچی قطعه قطعه کنند تا امام مهدی علیه السلام را نشان دهد، هرگز عبای خود را کنار نمی‌زند و امام را نشان نمی‌دهد.» (۷۵)

۳ - نسبت به دیگران فهمیده‌تر بودن

شیخ طوسی در کتاب «الغیبه» به فهم و درایت آنان اشاره کرده است. (۷۶)

۴ - حساس نبودن حکومت نسبت به آنان

امام مهدی علیه السلام در انتخاب نایبان خاص خود از افرادی استفاده می‌کرد که در دستگاه ظالمان عباسی نسبت به آن‌ها حساسیتی نباشد، چون نیابت خاص، کاری بود بسیار مخفی و مبهم و مهم؛ و لذا هر یک از آنان دارای شغل بوده، کاسبی می‌کرده‌اند تا

شناخته نشوند.

عوامل ادعای دروغین سفارت

هنوز مدتی از عهد سفارت ناحیه مقدسه نگذشته بود که این دستگاه مقدس مبتلا به مصیبت مدعیان دروغین سفارت گشت. آنان از این ادعای دروغین خود اهدافی را دنبال می‌نمودند که عبارت بود از: ۱- از آنجا که ایمان ضعیفی داشتند با این ادعا درصدد انحراف مردم و جامعه شیعی بودند. ۲- طمع به دست آوردن اموال مردم و حقوق شرعی، زیرا از آنجا که امام زمان علیه السلام در غیبت به سر می‌بردند اینها می‌توانستند در اموال تصرف نمایند. ۳- گسترش موقعیت خود در جامعه، زیرا با این ادعا و انتساب خود به امام مهدی علیه السلام درصدد گسترش شهرت خود برمی‌آمدند.

مدعیان دروغین سفارت

شروع تزویر در امر سفارت به عصر سفیر دوم محمد بن عثمان عمّری باز می‌گردد؛ زیرا پدر او عثمان بن سعید به قدری معروف بود که هیچ کس جرأت معارضا با او را نداشت. اول کسی که ادعای سفارت دروغین نمود ابو محمد شریعی بود. (۷۷) و بعد از او محمد بن نصیر نمیری (۷۸) و احمد بن هلال کرخی (۷۹) و ابوطاهر محمد بن علی بن بلال بلالی (۸۰) و ابوبکر محمد بن احمد بن عثمان بغدادی و اسحاق احمر (۸۱) و مردی معروف به باقطنی. (۸۲) برخی از آنان در ابتدا از مردان صالح بودند ولی به جهات مختلف راه انحراف را پیشه نمودند. سفیر دوم با تمام قدرت به مقابله با آنها پرداخت، و نیز از ناحیه مقدسه توقیعات و بیانات شدید در لعن و تبری از آنان صادر شد که دلالت بر دروغگویی و سوء باطن آنان داشت. در زمان سفارت حسین بن روح - سفیر سوم - مصیبت در این زمینه بیشتر شد، زیرا شخصی به نام محمد بن علی شلمغانی غزافری ادعای سفارت نمود و بیشترین تأثیر را در انحراف جامعه به جای گذاشت. (۸۳) او گرچه در ابتدای امر، مردی مؤمن به نظر می‌رسید و وکیل حسین بن روح بود، ولی عاقبت به انحراف کشیده شد. آخرین کسی که ادعای دروغین سفارت داشت ابودلف کاتب بود که بر این ادعای خود تا بعد از وفات سمری - سفیر چهارم - باقی بود.

وکالت ناحیه مقدسه

از تاریخ به دست می‌آید که امام زمان علیه السلام به جز چهار سفیر معروف، وکلایی نیز داشته است که در اطراف ممالک و شهرهای اسلامی مشغول به انجام وظیفه بوده‌اند. ولی بین سفیران و وکیلان دو فرق اساسی وجود داشته است: ۱- سفیر با امام زمان علیه السلام به طور مستقیم مواجهه داشته و او را به طور شخصی می‌شناخته است، در حالی که وکلا این چنین نبوده‌اند، و ارتباطشان با حضرت از طریق سفیران انجام می‌گرفت. ۲- مسئولیت سفیر، عمومی بود و شامل تمام شیعیان می‌شد، ولی مسئولیت وکیل در محدوده منطقه خودش بود. کار وکیل، سهیم شدن در تسهیل کارهای گسترده‌ای بوده که بر عهده سفیر قرار گرفته بود. خصوصاً با در نظر گرفتن این مطلب که قرار بر سرّی بودن و کتمان کردن امور شیعیان در ارتباط با حضرت بود. و نیز عملکرد آنها در مخفی نمودن سفیر و کتمان اسم و شخص او تأثیر بسزایی داشته است.

وظایف سازمان وکالت

با بررسی شواهد تاریخی چنین به دست می‌آید که سازمان وکالت از آغاز تا پایان فعالیت آن، کارکردهای گوناگونی را دارا بوده است که از آن جمله عبارت است از: ۱- دریافت، تحویل و توزیع وجوه شرعی. ۲- رسیدگی به اوقاف. ۳- راهنمایی و ارشاد

شیعیان و مناظره با مخالفان. ۴- ایفای نقش سیاسی سازمان وکالت. ۵- ایفای نقش ارتباطی سازمان وکالت. ۶- کمک به نیازمندان و حل مشکلات شیعیان.

توقیعات ناحیه مقدسه

اشاره

توقیع در لسان روایات، مطابق با مفهومی است که عرف آن را به کار گرفته است، و آن عبارت است از کلمات کوتاه که بزرگان، ذیل نامه‌های رسیده و عریضه‌ها مکتوب می‌داشتند، و با آن خواسته سائل را برآورده می‌نمودند. در نتیجه توقیعات حضرت مهدی علیه السلام همان مطالبی بود که حضرت به خط مبارک خود در جواب سؤال‌ها و عریضه‌ها ذیل نامه‌ها مرقوم می‌داشتند و توسط یکی از سفرا به صاحبان نامه‌ها باز می‌گرداندند. اگرچه به لحاظ معنای اصطلاحی، «توقیع» در معنا و مفهوم آن سؤال از مسأله‌ای نهفته است ولی در برخی موارد بر بیانات حضرت که به صورت ابتدایی صادر می‌شد - اگرچه از آن سؤال نشده بود - نیز توقیع اطلاق شده است.

نقش سفیر در توقیعات

اگرچه در صدور توقیعات حضرت مهدی علیه السلام جایگاه حضرت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا اوست که ذیل نامه را به خط مبارکش تزئین کرده است، ولی نمی‌توان نقش سفیر را در پدید آمدن آن نادیده گرفت. این سفیر است که نامه را از سائل گرفته و به دست امام رسانده و در مدت اندک یا طولانی جواب آن را به سائل رسانده است، بلکه به تعبیری، سفیر واسطه در ایجاد توقیع نیز بوده است، زیرا اگر امام چنین سفیر امینی نمی‌داشت هرگز نامه رسیده را توقیع نمی‌فرمود.

مدت زمان صدور توقیع

از برخی روایات استفاده می‌شود که مدت زمان خروج توقیع در جواب سؤال معینی دو یا سه روز بوده است، همان گونه که راوی در برخی روایات می‌گوید: بعد از چند روز صاحب من گفت که به سوی ابو جعفر بازگردم تا از جواب سؤال‌ها پیرسم. (۸۴) در روایتی دیگر آمده است: آن گاه سفیر بعد از سه روز، مرا از جواب حضرت خبر داد. (۸۵) در برخی موارد نیز جواب، شفاهی بوده است که سفیر از حضرت می‌گرفته و برای سائل می‌آورده است. مثل این که حسین بن روح نوبختی به عده‌ای می‌گوید: «شما امر شدید که به حائر روید». (۸۶) و در برخی از موارد نیز جواب سؤال کننده به جهت مصالحی داده نمی‌شد. از باب نمونه در موردی سائل از امام خواست که برای او دعا کند که خدا به او فرزندی دهد، ولی به جهت مصالحی جواب نیامد. (۸۷) و گاه کسی سؤالی را برای حضرت فرستاد که جواب نیامد، و بعد از چند روزی مشاهده شد که جزء قرامطه درآمده است. (۸۸) گرچه در برخی از موارد نیز جواب سؤال‌ها ظرف چند ساعت داده شده است. (۸۹) و در برخی دیگر از روایات می‌خوانیم که جواب آمد در حالی که هنوز مرکب بر روی کاغذ خشک نشده بود (۹۰) و نیز در برخی روایات می‌خوانیم که به مجرد خطور سؤال در ذهن شخص جواب بر روی کاغذ مکتوب بوده است، (۹۱) ولی این موارد زیاد نبوده است.

خط حضرت مهدی علیه السلام در توقیعات

از مجموعه روایات استفاده می‌شود که برخی توقیعات به خط خود حضرت بوده، و برخی نیز به خط سفرا با دستور امام علیه السلام

بوده است. اسحاق بن یعقوب می‌گوید: «توسط محمد بن عثمان عمری مسائل مشکلی را به ناحیه مقدسه فرستادم و جوابش را به دست خط مبارک امام زمان علیه السلام دریافت داشتم». (۹۲) محمد بن عثمان عمری می‌گوید: «از ناحیه مقدسه توقیعی صادر شد که خطش را خوب می‌شناختم». (۹۳) شیخ صدوق رحمه الله می‌فرماید: «توقیعی که به خط امام زمان علیه السلام برای پدرم صادر شد اکنون نزد من موجود است». (۹۴) شیخ ابو عمرو عامری می‌گوید: «ابن ابی غانم قزوینی با جماعتی از شیعیان در موضوعی اختلاف و مشاجره نمودند و برای رفع نزاع، نامه‌ای به ناحیه مقدسه نوشته و جریان را به عرض رساندند. پس جواب نامه آنان به خط مبارک امام علیه السلام صادر شد». (۹۵) از این روایات معلوم می‌شود که توقیعات، قرائن و شواهد صدق به همراه داشته و یا اصحاب حضرت، دست خط او را می‌شناختند، و لذا مورد قبول آنان قرار می‌گرفته است. لیکن در مقابل، روایاتی وجود دارد که برخی توقیعات به خط حضرت نبوده بلکه به خط سفیران و به امر حضرت نوشته شده است. ابو نصر هبه الله می‌گوید: توقیعات صاحب الامر علیه السلام به همان خطی که در زمان امام حسن عسکری علیه السلام صادر می‌شد به وسیله عثمان بن سعید و محمد بن عثمان برای شیعیان صادر می‌گشت. (۹۶)

فهرست برخی توقیعات

حدود هفتاد توقیع یا بیشتر در مصادر مهدویت موجود است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: ۱ - توقیع به علی بن محمد سمّری. (۹۷) ۲ - توقیع به ابی جعفر عمّری در سوگ پدرش. (۹۸) ۳ - توقیع به سعد بن عبدالله قمی. (۹۹) ۴ - توقیع به اسحاق بن یعقوب. (۱۰۰) ۵ - توقیع به محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری در جواب مسائالش. (۱۰۱) ۶ - توقیع دیگری به حمیری درباره زیارت حضرت. (۱۰۲) ۷ - توقیع به احمد بن خضر بن ابی صالح خجندی. (۱۰۳) ۸ - توقیع به حسن بن فضل یمانی. (۱۰۴) ۹ - توقیع به ابو عمرو و فرزندش ابو جعفر محمد. (۱۰۵) ۱۰ - توقیع به محمد بن ابراهیم مهزیاری. (۱۰۶) ۱۱ - توقیع در ردّ جعفر کذاب. (۱۰۷) ۱۲ - توقیع به احمد بن حسن مادرای. (۱۰۸) ۱۳ - توقیع درباره قصه احمد بن ابی روح. (۱۰۹) ۱۴ - توقیع به حاجز و شا. (۱۱۰) ۱۵ - توقیع به محمد بن جعفر. (۱۱۱) ۱۶ - توقیع به محمد بن صالح بعد از مرگ عبرتایی. (۱۱۲) ۱۷ - توقیع در جواب نامه سمّری. (۱۱۳) ۱۸ - توقیع در جواب سؤال مردی از اهل فانیم. (۱۱۴) ۱۹ - توقیع در جواب نامه محمد بن حسن مروزی. (۱۱۵) ۲۰ - توقیع در جواب نامه محمد بن یوسف. (۱۱۶) ۲۱ - توقیع در جواب سؤال‌های محمد بن جعفر اسدی. (۱۱۷) ۲۲ - توقیع در ردّ غلات به محمد بن علی بن هلال کرخی. (۱۱۸) ۲۳ - توقیع به محمد بن شاذان. (۱۱۹) ۲۴ - توقیع برای احمد بن حسن خازن. (۱۲۰) ۲۵ - توقیع برای علی بن محمد بن اسحاق اشعری. (۱۲۱) ۲۶ - توقیع در خبر دادن از ضمیر عبیدالله بن سلیمان. (۱۲۲) ۲۷ - توقیع در جواب نامه ابن ابی غانم قزوینی. (۱۲۳) ۲۸ - توقیع در کیفیت تعلیم نماز. (۱۲۴) ۲۹ - توقیع در جواب آنچه محمد بن شاذان برای حضرت فرستاد. (۱۲۵) ۳۰ - توقیع در جواب نامه محمد بن یزداذ. (۱۲۶) ۳۱ - توقیع در جواب خواست قاسم بن علا. (۱۲۷) ۳۲ - توقیع در جواب نامه مردی از اهل ربض. (۱۲۸) ۳۳ - توقیع در جواب سائلی که از قم رسیده بود. (۱۲۹) ۳۴ - توقیع به حسن بن عبدالحمید. (۱۳۰) ۳۵ - توقیع در توثیق محمد بن جعفر عربی. (۱۳۱) ۳۶ - توقیع در جواب سؤال ابوالحسن خضر بن محمد. (۱۳۲) ۳۷ - توقیع اول به شیخ مفید رحمه الله. (۱۳۳) ۳۸ - توقیع دوم به شیخ مفید رحمه الله. (۱۳۴) ۳۹ - توقیع در جواب نامه علی بن بابویه. (۱۳۵) ۴۰ - توقیع در جواب نامه محمد بن کشر. (۱۳۶) ۴۱ - توقیع در جواب نامه جعفر بن حمدان. (۱۳۷) ۴۲ - توقیع در جواب نامه علی بن زیاد. (۱۳۸) ۴۳ - توقیع به حسن بن قاسم بن علا. (۱۳۹) ۴۴ - توقیع به ابی القاسم بن ابی حلیس. (۱۴۰) ۴۵ - توقیع در جواب رقعہ بلخی. (۱۴۱) ۴۶ - توقیع بر احمد بن حسن. (۱۴۲) ۴۷ - توقیع به محمد بن همّام. (۱۴۳) و دیگر توقیعات.

نمونه‌هایی از توقیعات ناحیه مقدسه

اینک فقراتی از برخی توقیعات صادر شده از ناحیه مقدسه که جنبه کاربردی داشته و برای شیعیان امام زمان علیه السلام در این عصر و زمان نیز پیام دارد را ذکر می‌کنیم: ۱ - امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «ما أرغم أنف الشيطان أفضل من الصلاة، فصلِّها وأرغم أنف الشيطان»؛ (۱۴۴) «هیچ چیز به مانند نماز، بینی شیطان را به خاک نمی‌ساید، پس نماز بگذار و بینی ابلیس را به خاک بمال» این کلام، از پاسخ‌هایی است که از ناحیه مقدس امام زمان علیه السلام در جواب مسائل ابی‌الحسین جعفر بن محمد اسدی، صادر شده است. ۲ - امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «أما وجه الأنتفاع بي في غيبتي فكالإنتفاع بالشمس إذا غيبتها عن الأبصار السحاب»؛ (۱۴۵) «اما کیفیت و چگونگی استفاده از من در غیبت‌ام، همانند استفاده از خورشید است هنگامی که ابرها آن را از دیدگان پنهان نگاه دارد.» این کلام را امام زمان علیه السلام، در پایان پاسخ به پرسش‌های اسحاق بن یعقوب آورده است. ۳ - امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «أما أموالكم فلا- نقبلها إلّا لتطهروا، فمن شاء فليصل ومن شاء فليقطع، فما آتاني الله خير ممّا آتاكم»؛ (۱۴۶) «اما اموال شما، پس آن‌ها را نمی‌پذیریم، مگر به خاطر این که پاک شوید. پس هر که می‌خواهد، پردازد، و هر که نمی‌خواهد، نپردازد. آنچه را که خدا به ما عطا کرده، از آنچه به شما عطا نموده بهتر است.» این عبارت، بخشی از مطالبی است که امام زمان علیه السلام، در جواب سؤال‌های اسحاق بن یعقوب، در توقیع مبارک خود مرقوم فرموده‌اند. ۴ - امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «أكثروا الدعاء بتعجيل الفرج، فإن ذلك فرجكم»؛ (۱۴۷) برای شتاب در گشایش حقیقی و کامل، بسیار دعا کنید، زیرا، همانا، فرج شما، در آن است.» این کلام، از جمله مطالبی است که حضرت علیه السلام، در جواب مسائلی بیان کرده‌اند که اسحاق بن یعقوب از آن حضرت سؤال نموده‌اند. ۵ - امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «أما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها إلى رواة حديثنا، فإنهم حجتي عليكم وأنا حجة الله عليهم»؛ (۱۴۸) «اما در رویدادهای زمانه، به رویان حدیث ما رجوع کنید. آنان، حجت من بر شمایند و من، حجت خدا بر آنان‌ام.» این حدیث، از جمله مطالبی است که امام زمان علیه السلام، در جواب مسائل اسحاق بن یعقوب فرموده‌اند. ۶ - امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «إني لأمان لأهل الأرض كما أن النجوم أمان لأهل السماء»؛ (۱۴۹) «همانا، من، امان و مایه ایمنی برای اهل زمین‌ام، همان‌گونه که ستاره‌ها، سبب ایمنی اهل آسمان‌اند.» این کلام، قسمتی از جواب‌هایی است که امام زمان علیه السلام، در پاسخ به نامه اسحاق بن یعقوب فرموده است. ۷ - امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «إننا غير مهملين لمراعاتكم، ولا ناسين لذكركم، ولولا ذلك لنزل بكم اللاؤاء واصطلمكم الأعداء»؛ (۱۵۰) «ما از رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی و اهمال نکرده و یاد شما را از خاطر نبرده‌ایم که اگر جز این بود دشواری‌ها و مصیبت‌ها بر شما فرود می‌آمد و دشمنان شما را ریشه‌کن می‌نمودند.» برای شیخ مفید رحمه الله دو توقیع از سوی حضرت علیه السلام صادر شده است. در توقیع اول، حضرت، به شیعیان خود این بشارت را می‌دهد که شما، دائماً، تحت نظر و مراعات ما هستید و هرگز فراموش نمی‌شوید. از این رو از خطر دشمنان در امانید. شیعه به جهت ظلم ستیزی و پیرو حق و حقیقت بودن، دائماً، مورد تعرض حکام جور و معاندان و مخالفان خود بوده است. لذا، به کسی نیاز دارد که در سختی‌ها و گرفتاری‌ها، او را یاری کند و از نابودی نجات‌اش دهد. در این توقیع، حضرت علیه السلام به شیعه، این بشارت را می‌دهد که با وجود غایب بودنم شما را حمایت خواهم کرد و هرگز نخواهم گذاشت، نقشه دشمنان حق و حقیقت، به ثمر نشیند و مذهب شیعه و شیعیان نابود شوند. گره‌گشایی‌هایی که حضرت در طول دوران امامت خویش انجام داده است، نمونه‌هایی رسا برای صحت وعده حضرت است. ۸ - امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «أنه من اتقى ربه من إخوانك في الدين وأخرج مما عليه إلى مستحقّيه، كان آمناً من الفتنه المبطله، ومحنها المظلمه المظله ومن بخل منهم بما أعاره الله من نعمته على من أمره بصلته، فإنه يكون خاسراً بذلك لأولاه وآخرته»؛ (۱۵۱) «همانا، کسی که در رابطه با حقوق برادران دینی تو، حریم الهی را نگه دارد و حقوق مالی که بر گردن دارد، به مستحق‌اش برساند، از فتنه‌ای که انسان را به راه باطل می‌کشاند، و از محنت‌های تاریکی که سایه بر آن افکنده، ایمن خواهد بود، و کسی که بخل ورزد و از نعمت‌هایی که ایزد به عاریت، در اختیار او گذاشته، به مستحق‌اش ندهد، در دنیا و آخرت، زیان‌کار خواهد بود.» این کلام، قسمتی از نامه دوم امام زمان علیه السلام، به شیخ مفید رحمه الله

است. ۹ - امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «سجده الشکر من أَلزم السنن وأوجبها... فإن فضل الدعاء والتسبیح بعد الفرائض علی الدعاء بعقیب النوافل، کفضل الفرائض علی النوافل، والسجده دعاء وتسبیح»؛ (۱۵۲) «سجده شکر، از لازم‌ترین و واجب‌ترین مستحبات الهی است... همانا، فضیلت دعا و تسبیح پس از واجبات، بر دعا بعد از نوافل، همانند فضیلت واجبات بر نوافل است. سجده، دعا و تسبیح است.» حدیث شریف، قسمتی از پاسخ امام مهدی علیه السلام، به سؤال‌های محمد بن عبدالله حمیری است. ۱۰ - امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «من فضله، أن الرجل ینسی التسبیح ویذیر السبحة فیکتب له التسبیح»؛ (۱۵۳) «از فضایل تربت حضرت سیدالشهداء علیه السلام آن است که چنانچه تسبیح تربت حضرت در دست گرفته شود ثواب تسبیح و ذکر را دارد، گرچه دعایی هم خوانده نشود.» این حدیث از جمله پاسخ‌هایی است که امام زمان علیه السلام در جواب سؤال‌های محمد بن عبدالله حمیری بیان فرموده‌اند. ۱۱ - امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «فلا یحل لأحد أن یتصرف من مال غیره بغیر إذنه»؛ (۱۵۴) «برای هیچ کس جایز نیست که بدون اذن صاحب مال، در مال‌اش تصرف کند.» این کلام، بخشی از جوابی است که حضرت علیه السلام، در پاسخ مسائل اسدی، مرقوم داشته‌اند. ۱۲ - امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «وفی ابنه رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم لی أسوه حسنه»؛ (۱۵۵) «دختر رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم (فاطمه زهرا علیها السلام) برای من، اسوه و الگویی نیکو است.» شیخ طوسی رحمه الله، در کتاب «الغیبه»، قصه مشاجره ابن ابی غانم قزوینی با جماعتی از شیعه، درباره امر جانشینی امام عسکری علیه السلام را نقل کرده است. ابن ابی غانم، به جانشینی برای حضرت امام عسکری، اعتقادی نداشت. عده‌ای از شیعیان، به حضرت نامه‌ای می‌نویسند و در آن، مشاجره‌ای را که میان ابن ابی غانم و جماعت شیعه ایجاد شده، یادآور می‌شوند. حضرت، در جواب نامه، به خط مبارک خود، بعد از دعا برای عافیت شیعیان از ضلالت و فتنه‌ها، و درخواست روح یقین و عاقبت به خیری آنان، و تذکر به اموری چند، می‌فرماید: «فاطمه زهرا، دختر رسول خدا، برای من، در این مسئله، الگوی خوبی است. ۱۳ - امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «لا عذر لأحد من موالینا فی التشکیک فیما یؤدیة عنّا ثقاتنا» (۱۵۶)؛ «در تشکیک نسبت به روایاتی که موثقان از ما برای شما نقل می‌کنند، احدی از شیعیان ما عذری ندارند.» این عبارت، قسمتی از توقیعی است که از سوی حضرت به «قاسم بن علا» درباره «احمد بن هلال عبرتایی» و دوری از او صادر شده است. ۱۴ - امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «لیس بین الله عزوجلّ و بین أحد قرابه، و من أنکرنی فلیس منی، و سبیله سبیل ابن نوح»؛ (۱۵۷) «بین خداوند عزوجلّ و هیچ کس قرابت و خویشاوندی نیست، هر که مرا انکار کند از من نیست، و راه او، راه فرزند نوح است.» این عبارت، بخشی از جواب‌های امام زمان علیه السلام، به پرسش‌های اسحاق بن یعقوب است. ۱۵ - مهدی علیه السلام می‌فرماید: «لا تتکلفوا علم ما قد کفیتهم»؛ (۱۵۸) «خود را برای دانستن آنچه که از شما نخواسته‌اند به مشقت نیندازید.» این عبارت، از جمله مطالبی است که امام زمان علیه السلام، در جواب سؤال‌های اسحاق بن یعقوب تذکر داده‌اند. ۱۶ - امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «إن الله تعالی هو الذی خلق الأجسام وقسم الأرزاق، لأنه لیس بجسم ولا حال فی جسم، لیس کمثله شیء وهو السميع العلیم، وأما الأئمة علیهم السلام فإنهم یسألون الله تعالی فیخلق، ویسألونه فیرزق، إیجاباً لمسألتهم وإعظاماً لحقهم»؛ (۱۵۹) «تنها خداوند متعال است که اجسام را خلق کرده و روزی‌ها را تقسیم کرده است؛ زیرا، او، جسم یا حلول کننده در جسم نیست. چیزی، همانند او نیست. او، شنوا و دانا است. اما ائمه علیهم السلام، چیزی را از خدا می‌خواهند و خدا نیز برای آنان خلق می‌کند. از خدا می‌خواهند، خدا هم روزی می‌دهد. خدا چنین می‌کند، چون بر خود حتم کرده که خواسته آنان را اجابت و منزلت و شأن آن‌ها را عظیم گرداند.» شیخ طوسی رحمه الله در کتاب «الغیبه» نقل می‌کند: جماعتی از شیعیان، در مقام اهل بیت علیهم السلام، اختلاف کردند. عده‌ای، قائل بودند که خداوند عزوجلّ، قدرت خلق و رزق را به امامان معصوم، واگذار کرده است. در مقابل، عده‌ای بر این عقیده معتقد بودند که این امر، محال است و بر خداوند متعال، جائز نیست که امر خلق و رزق را به ائمه واگذار کند؛ زیرا، تنها، خداوند متعال، قادر بر خلق اجسام است. شیعیان، در این امر، به نزاع شدید برخاستند. شخصی که در آن مجلس حاضر بود، گفت: «چرا نزد ابی جعفر محمد بن عثمان عمری (سفیر دوم حضرت)

نمی‌روید و در این باره از او سؤال کنید تا حق بر شما روشن گردد؟ او تنها راه و واسطه به سوی حضرت صاحب‌الامر علیه‌السلام است. شیعیان، بر این امر راضی شدند و نامه نوشتند و در آن از مسئله مورد نزاع سؤال نمودند. حضرت در جواب نامه مرقوم فرمودند: «خالق، نباید جسم و رازق نباید روزی خورنده باشد. در نتیجه، ما، چون جسم داریم و روزی می‌خوریم، پس نه خالق هستیم و نه رازق، ولی خداوند، حق ما را بزرگ قرار داده و درخواست ما را اجابت می‌کند. لذا دعایی که می‌کنیم، برآورده می‌شود، نه این که ما، خود، جدای از خواست الهی، توان این را داشته باشیم». ۱۷ - امام مهدی علیه‌السلام می‌فرماید: «فلیعمل کل امرء منکم بما یقرب به من محبتنا، ویتجنب ما یدنیه من کراهتنا وسخطنا»؛ (۱۶۰) «پس هر یک از شما باید کاری کند که وی را به محبت و دوستی ما نزدیک سازد، و از آنچه که خوشایند ما نبوده و باعث کراهت و خشم ما است دوری گزیند». این عبارت بخشی از نامه‌ای است که از سوی امام زمان علیه‌السلام، به شیخ مفید رحمه‌الله، رسیده است. ۱۸ - امام مهدی علیه‌السلام می‌فرماید: «إن الله تعالی لم یخلق الخلق عبثاً، ولا- أهملهم سدی، بل خلقهم بقدرته، وجعل لهم أسماعاً وأبصاراً وقلوباً وألباباً، ثم بعث إليهم النبیین علیهم السلام مبشرین ومنذرین، یأمرونهم بطاعته وینهونهم عن معصيته، ویعرفونهم ما جهلوه من أمر خالقهم ودينهم، وأنزل علیهم کتاباً...»؛ (۱۶۱) «به راستی، خدای متعال، مردم را بیهوده نیافرید، و بیکاره رها نساخت، بلکه آنان را به قدرت خود آفرید، و به آنان گوش و دیده و دل و عقل داد. سپس پیامبران علیهم‌السلام را به سوی آنان، بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده فرستاد تا مردم را به اطاعت خدا امر کنند و از معصیت او باز دارند، و آنچه را که نسبت به او، از امر خالق و دین خود جاهل‌اند، بیاموزند، برای آنان کتابی نازل کرد...». این مطالب بخشی از جوابی است که امام زمان علیه‌السلام در جواب نامه احمد بن اسحاق مرقوم داشتند. ۱۹ - امام مهدی علیه‌السلام می‌فرماید: «أحیی بهم دینه، وأتم بهم نوره، وجعل بینهم و بین إخوانهم وبنی عمهم والأدنین فالأدنین من ذوی أرحامهم فرقاناً بیناً یعرف به الحجۃ من المحجوج، والإمام من المأموم، بأن عصمهم من الذنوب، وبرأهم من العیوب، وطهرهم من الدنس، ونزههم من اللبس، وجعلهم خزّان علمه، ومستودع حکمته، وموضع سره، وأیدهم بالدلائل، ولولا- ذلك لکان الناس علی سواء، ولإدعی أمر الله عزّوجلّ کل أحد، ولما عرف الحق من الباطل، ولا- العالم من الجاهل»؛ (۱۶۲) «اوصیا، کسانی هستند که خداوند متعال، دینش را با آنان زنده می‌کند، و نورش را با آنان، کاملاً می‌گسترده و سیطره می‌دهد. خداوند میان آنان و برادران و عموزادگان و دیگر خویشاوندان‌شان، تفاوت آشکاری گذاشته است که به سبب آن حجّت از غیر حجّت، و امام از مأموم، شناخته می‌شود. آن تفاوت آشکار، این است که آنان را از گناهان محفوظ و مصون داشته، و از عیوب مبرا کرده، و از پلیدی پاک گردانیده، و از اشتباه منزّه‌شان داشته است. آنان را خزانه‌داران علم و حکمت و پرده‌داران سرّ خود قرار داده است. خداوند، آنان را با دلیل‌ها، تأیید کرده است. اگر این گونه نبود، همه مردم با هم یکسان بودند و هر کس می‌توانست ادّعی امامت کند که در این حال، حق از باطل و عالم از جاهل، تشخیص داده نمی‌شد». این کلمات، از جمله مطالبی است که امام زمان علیه‌السلام، در جواب نامه احمد بن اسحاق مرقوم داشته‌اند. ۲۰ - امام مهدی علیه‌السلام می‌فرماید: «من کانت له إلی الله حاجة فلیغتسل لیلة الجمعة بعد نصف اللیل ویأتی مصلاه»؛ (۱۶۳) «هر کس که خواسته و حاجتی از پیشگاه خداوند متعال دارد، بعد از نیمه شب جمعه غسل کند و جهت مناجات با خداوند در جایگاه نمازش قرار گیرد». ابو عبدالله حسین بن محمد می‌گوید: از ناحیه مقدّسه امام زمان علیه‌السلام توقیعی صادر شد، در آن نوشته بود: هر کس خواسته‌ای از خداوند دارد باید شب جمعه بعد از نیمه شب غسل کند آن‌گاه به جایگاه نمازش آید و دو رکعت نماز بخواند، به «ایاک نعبد وایاک نستعین» که رسید، صد بار آن را تکرار کند، سپس حمد را تمام کرده بعد از آن یک مرتبه سوره توحید بخواند. آن‌گاه رکوع و سجده بجای آورده و در هر کدام هفت بار تسبیح بگوید. رکعت دوم را نیز همانند رکعت اول بجای آورد. در پایان نماز دعایی را بخواند که کفعمی در ابتدای باب ۳۶ از المصباح آورده است. بعد از دعا به سجده رفته و تضرّع نزد خداوند کند، آن‌گاه حاجت خود را از خداوند بخواهد. هر کس از مرد و زن چنین کند، و دعا را از روی اخلاص بخواند درهای اجابت به روی او باز گشته و حاجت او هر چه باشد برآورده می‌گردد، مگر آن که

آن حاجت قطع رحمی باشد. ۲۱ - امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «أقدار الله عزوجل لا تغالب وإرادته لا ترد وتوفيقه لا يسبق»؛ (۱۶۴) «تقدیرهای خداوند عزوجل مغلوب نمی‌شود، و اراده‌اش برگشت ندارد، و بر توفیق او هیچ چیز پیشی نمی‌گیرد». این عبارت، بخشی از کلمات امام زمان علیه السلام است که در توقیعی به دو سفیر خود، عثمان بن سعید و فرزندش محمد بن عثمان فرستاده است. ۲۲ - امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «أعوذ بالله من العمى بعد الجلاء، ومن الضلالة بعد الهدى، ومن موبات الأعمال ومردیات الفتن»؛ (۱۶۵) «از نابینایی پس از بینایی، و از گمراهی پس از هدایت، و از رفتار هلاکت‌بار، و فتنه‌های نابود کننده، به خدا پناه می‌برم». این عبارت، بخشی از توقیعی است که امام زمان علیه السلام به نائب نخست و دوم خود، عثمان بن سعید عمری و فرزندش محمد فرستاده است. ۲۳ - امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «أبى الله عزوجل للحق إلا إتماماً، وللباطل إلا زهوقاً»؛ (۱۶۶) «اراده حتمی خداوند بر این قرار گرفته که - دیر یا زود - پایان حق پیروزی و پایان باطل نابودی باشد». این عبارت، قسمتی از جوابی است که حضرت علیه السلام به نامه احمد بن اسحاق اشعری قمی داده‌اند. ۲۴ - امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «قد آذانا جهلاء الشيعة وحمقاؤهم، ومن دینه جناح البعوضه أرجح منه»؛ (۱۶۷) «نادانان و کم‌خردان شیعه و کسانی که پر و بال پشه از دینداری آنان برتر و محکم‌تر است، ما را آزار می‌دهند». این عبارت، بخشی از توقیعی است که حضرت علیه السلام در جواب نامه محمد بن علی بن هلال کرخی فرستاده است. این توقیع، در رد طائفه‌ای از غالیان است که به شرکت ائمه‌علیهم السلام با خداوند در علم و قدرت او، معتقدند. ۲۵ - امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «إجعلوا قصدكم إلينا بالمودة على السنة الواضحة، فقد نصحت لكم، والله شاهد على وعلیکم»؛ (۱۶۸) «هدف و قصد خویش را نسبت به محبت و دوستی ما - اهل بیت عصمت و طهارت - بر مبنای عمل به سنت و اجرای احکام الهی قرار دهید، پس همانا که موعظه‌ها و سفارشات لازم را نمودم، و خداوند متعال نسبت به همه ما و شما گواه است». بین ابن ابی‌غانم قزوینی با جماعتی از شیعیان در مورد جانشینی امام حسن عسکری علیه السلام اختلاف شد، ابن ابی‌غانم معتقد بود که ایشان رحلت نمود در حالی که کسی را به عنوان جانشین خود معرفی نکرد، ولی جماعت شیعیان با او به مخالفت پرداخته و معتقد به تعیین جانشین برای امام حسن عسکری علیه السلام بودند، لذا نامه‌ای به امام زمان علیه السلام نوشته و این موضوع را برای حضرت بازگو می‌کنند. حضرت علیه السلام در جواب نامه به خط خود مطالبی مرقوم داشتند که از آن جمله حدیث فوق است. حضرت در آن نامه ابتدا امر به تقوا و پرهیزکاری می‌کند و سپس می‌فرماید: تسلیم ما باشید و هر چه را نمی‌دانید به ما باز گردانید، بر ما است که حقیقت را بیان کنیم ... به راست و چپ منحرف نشوید، و محبت و دوستی خود را نسبت به ما با اطاعت از دستورات ما که همان شریعت محمدی است ثابت کرده و عملی سازید. ۲۵ - امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «علمنا على ثلاثة أوجه: ماض وغابر وحادث، أما الماضي فتفسير، وأما الغابر فموقوف، وأما الحادث فقذف في القلوب، ونقر في الأسماع، وهو أفضل علمنا، ولا نبی بعید نبینا»؛ (۱۶۹) «علم ما اهل بیت علیهم السلام بر سه نوع است: علم به گذشته و آینده و حادث. علم گذشته تفسیر است. علم آینده، موقوف است. علم حادث، انداختن در قلوب، و زمزمه در گوش‌ها است. این بخش، بهترین علم ما است. بعد از پیامبر ما، رسول دیگری نخواهد بود». این عبارت، بخشی از جواب امام زمان علیه السلام به سؤال علی بن محمد سمري درباره علم امام است. ۲۶ - امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «وَأما ما سألت عنه من أمر الوقف على ناحيتنا وما يجعل لنا ثم يحتاج إليه صاحبه، فكل ما لم يسلم فصاحبه فيه بالخيار، وكل ما سلم فلا خيار فيه لصاحبه، إحتاج إليه صاحبه أو لم يحتج»؛ (۱۷۰) «از ما درباره این که فردی چیزی را برای ما وقف کرده؛ ولی خودش به آن محتاج شده، پرسیده‌ای. حکم این چنین فردی، این است که در آن چه برای ما وقف کرده، ولی تسلیم ما نکرده، مختار است و می‌تواند وقف را به هم بزند، ولی آن چه را به جهت تسلیم وقف‌اش مسلم شده، دیگر نمی‌تواند آن را برگرداند، خواه به آن احتیاج داشته باشد یا نداشته باشد». این عبارت، قسمتی از توقیعی است که امام زمان علیه السلام در جواب سؤال‌های ابوالحسین محمد بن جعفر اسدی مرقوم داشته‌اند. ۲۷ - امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «ولو أن أشیاعنا - وفقهم الله لطاعته - على اجتماع من القلوب في الوفاء بالعهد عليهم لما تأخر عنهم الیمن بلقائنا،

ولتعجلت لهم السعادة بمشاهدتنا على حق المعرفة وصدقها منهم بنا، فما يحبسنا عنهم إلا ما يتصل بنا ممّا نكرهه ولا نؤثره منهم»؛ (۱۷۱) «اگر چنانچه شیعیان ما - که خداوند توفیق طاعتشان دهد - در راه ایفای پیمانی که بر دوش دارند همدل می‌شدند، میمنت ملاقات ما از ایشان به تأخیر نمی‌افتاد، و سعادت دیدار ما زودتر نصیب آنان می‌گشت، دیداری بر مبنای شناختی راستین، و صدقاتی از آنان نسبت به ما، علت مخفی شدن ما از آنان چیزی نیست جز آنچه از کردار آنان که به ما می‌رسد و ما توقع انجام این کارها را از آنان نداریم.» این جملات، قسمتی از نامه‌ای است که از ناحیه مقدّس امام زمان علیه السلام برای شیخ مفید رحمه الله فرستاده شده است. ۲۸ - امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «أن الأرض لا تخلو من حجة إما ظاهراً وإما مغموراً»؛ (۱۷۲) «زمین، هیچ‌گاه، از حجت خالی نخواهد بود، حال، آن حجت، یا ظاهر است و یا پنهان.» این کلام، قسمتی از توقیعی است که امام زمان علیه السلام به عثمان بن سعید عمری و فرزندش محمد مرقوم داشته‌اند. ۲۹ - امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «والعاقبة بجميل صنع الله سبحانه تكون حميدة لهم ما اجتنبوا المنهي عنه من الذنوب»؛ (۱۷۳) «با دخالت و ساخت نیکوی خداوند، فرجام کار، مادامی که شیعیان از گناهان دوری گزینند، پسندیده و نیکو خواهد بود.» این حدیث، بخشی از نامه‌ای است که امام زمان علیه السلام برای شیخ مفید رحمه الله مرقوم داشته‌اند. ۳۰ - امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «أو ما رأيتم كيف جعل الله لكم معاقل تأوون إليها، وأعلاماً تهتدون بها من لدن آدم عليه السلام»؛ (۱۷۴) «آیا ندیدید که چه گونه خداوند برای شما، ملجأهایی قرار داد که به آنان پناه برید، و علم‌هایی قرار داد تا با آنان هدایت شوید. (و این لطف حضرت حق) از زمان حضرت آدم علیه السلام تا کنون بوده است.» این عبارت، قسمتی از توقیعی است که از ناحیه حضرت، به جهت اختلاف میان ابن ابی غانم قزوینی و جماعتی از شیعیان صادر شده است. ابن ابی غانم معتقد بود که برای امام حسن عسکری علیه السلام جانشینی نیست و امامت به ایشان ختم شده است. گروهی از شیعیان، به حضرت مهدی علیه السلام نامه می‌نویسند و داستان را بازگو می‌کنند. از ناحیه حضرت نامه‌ای صادر می‌شود که حدیث فوق بخشی از آن است. ۳۱ - امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «ملعون ملعون من أخر الغداة إلى أن تنقضي النجوم»؛ (۱۷۵) «ملعون و نفرین شده است آن کسی که نماز صبح را عمداً تأخیر بیندازد تا موقعی که ستارگان ناپدید شوند» این حدیث قسمتی از توقیعی است که در جواب سؤال محمد بن یعقوب از ناحیه مقدّسه رسیده است.

سلسله کتب چاپ شده از مؤلف پیرامون مهدویت

- ۱ - تولد حضرت مهدی علیه السلام ۲ - امامت در سنین کودکی ۳ - امامت و غیبت ۴ - غیبت صغری و سفیران ناحیه مقدّسه ۵ - غیبت کبری ۶ - وظایف ما در عصر غیبت ۷ - اماکن مقدّسه مرتبط با حضرت مهدی علیه السلام ۸ - بررسی دعای ندبه ۹ - دکترین مهدویت تنها راه نجات بشر ۱۰ - دفاع از مهدویت ۱۱ - فلسفه حکومت عدل جهانی ۱۲ - نظریه پردازی درباره آینده جهان ۱۳ - منجی از دیدگاه ادیان ۱۴ - وجود امام مهدی علیه السلام از منظر قرآن و حدیث ۱۵ - وجود امام مهدی علیه السلام در پرتو عقل ۱۶ - مهدویت و جهانی‌سازی ۱۷ - قرآن و ظهور حضرت مهدی علیه السلام ۱۸ - علایم ظهور ۱۹ - هنگامه ظهور ۲۰ - حکومت حضرت مهدی علیه السلام در عصر ظهور

پی نوشت ها

- (۱) کمال‌الدین، ص ۴۷۴-۴۷۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۳۳۲ (۲) کمال‌الدین، ص ۲۵۶؛ بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۲۲۷، ح ۳.۳ (۳) بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۸۰ (۴) سوره آل عمران، آیه ۱۴۱ (۵) همان، ج ۵۱، ص ۷۳، ح ۱۸؛ کمال‌الدین، ص ۲۸۷ (۶) کمال‌الدین، ص ۳۰۳؛ اعلام الوری، ص ۴۲۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۰۹، ح ۷.۱ (۷) کمال‌الدین، ص ۳۱۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۳۲، ح ۱.۱ (۸) کمال‌الدین، ص ۳۱۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۳۲ و ۱۳۳، ح ۹.۲ (۹) همان، ص ۳۱۷؛ بحار الأنوار ح ۱۰.۳ (۱۰) همان، بحار الأنوار،

ح ۴. ۱۱) کمال الدین، ص ۳۱۹؛ بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۳۸۶. ۱۲) کمال الدین، ص ۳۳۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۵، ح ۶۶. ۱۳) کمال الدین، ص ۳۳۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۴۳، ح ۱۴. ۴) همان، ص ۳۴۱؛ بحار الأنوار، ص ۱۴۵، ح ۱۲. ۱۵) همان، بحار الأنوار، ح ۱۳. ۱۶) همان، ص ۳۴۲؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۶، ح ۱۷. ۷) کمال الدین، ص ۳۵۹ و ۳۶۰؛ کافی، ج ۱، ص ۳۳۶، ح ۱۸. ۲) همان، ص ۳۶۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۵۱، ح ۱۹. ۶) سورة لقمان، آیه ۲۰. ۲۰) کمال الدین، ص ۳۶۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۵۱، ح ۲۱. ۲) کمال الدین، ص ۳۷۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۱، ح ۲۲. ۲۹) همان، ص ۳۷۲؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۵۴، ح ۲۳. ۴) کمال الدین، ص ۳۷۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۵۶، ح ۲۴. ۱) همان، ص ۳۷۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۰، ح ۲۵. ۴) کمال الدین، ص ۳۷۹ و ۳۸۰؛ اعلام الوری، ص ۴۳۷ و ۴۳۸. ۲۶) کمال الدین، ص ۳۸۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳ و ۲۴، ح ۲۷. ۱۶) همان، ص ۴۰۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۶۰، ح ۲۸. ۶) اثبات الوصیة، ص ۲۸۶. ۲۹) بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۲۹۰، ح ۶۳ و ۲۹۳، ح ۳۰. ۶۷) بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۴۴، ح ۳۱. ۱) همان، ج ۵۰، ص ۳۰۹ و ۳۱۰، ح ۳۲. ۹) کمال الدین، ص ۴۳۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۵، ح ۳۳. ۹) کمال الدین، ص ۳۸۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳ و ۲۴، ح ۳۴. ۱۶) بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۲۵، ح ۳۵. ۴۴) الغیبة، طوسی، ص ۳۶۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۵۱، ح ۳۶. ۳) الغیبة، طوسی، ص ۳۹۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۵۸، ح ۳۷. ۶) الغیبة، طوسی، ص ۳۵۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۴۴. ۳۸) بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۴۶، ح ۳۹. ۱) الغیبة، طوسی، ص ۳۵۶. ۴۰) بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۵۰، ح ۴۱. ۳) الغیبة، طوسی، ص ۳۶۱؛ کمال الدین، ص ۵۱۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۴۸. ۴۲) الغیبة، طوسی، ص ۳۵۹ و ۳۶۰. ۴۳) اثبات الهداة، ج ۶، ص ۳۸۶. ۴۴) همان، ص ۳۹۳. ۴۵) همان، ص ۳۵۰. ۴۶) رجال نجاشی، ص ۱۹۳. ۴۷) همان، ص ۱۹۴. ۴۸) همان، ص ۲۸. ۴۹) همان. ۵۰) همان، ص ۲۱۵. ۵۱) همان، ص ۱۹۵. ۵۲) همان، ص ۲۳۵. ۵۳) الغیبة، طوسی، ص ۳۵۵. ۵۴) همان، ص ۳۵۹. ۵۵) همان، ص ۳۶۰؛ کافی، ج ۱، ص ۳۲۹. ۵۶) بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۴۹. ۵۷) الغیبة، طوسی، ص ۳۶۶. ۵۸) همان، ص ۳۶۳. ۵۹) همان، ص ۳۶۵. ۶۰) همان، ص ۳۷۲. ۶۱) همان، ص ۳۷۱. ۶۲) همان، ص ۳۷۰. ۶۳) همان، ص ۳۷۲. ۶۴) رجال شیخ طوسی، ص ۴۰۰. ۶۵) کمال الدین، ص ۵۱۶؛ اعلام الوری، ص ۴۴۵. ۶۶) کمال الدین، ص ۵۰۲ و ۵۱۸. ۶۷) حقّ الیقین، ص ۲۴۲. ۶۸) الغیبة، طوسی، ص ۲۵۷. ۶۹) همان، ص ۲۲۲. ۷۰) همان، ص ۲۴۰. ۷۱) اعلام الوری، ص ۴۵۲. ۷۲) کمال الدین، ص ۴۷۸. ۷۳) تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، دکتر جاسم حسین، ص ۱۴۹. ۷۴) الغیبة، طوسی، ص ۲۳۷. ۷۵) الغیبة، طوسی، ص ۲۴۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۵۹. ۷۶) همان، ص ۲۳۶. ۷۷) بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۶۷. ۷۸) همان، ص ۳۶۷. ۷۹) همان، ص ۳۶۸. ۸۰) همان، ص ۳۶۹. ۸۱) همان، ص ۳۰۱. ۸۲) همان. ۸۳) الغیبة، طوسی، ص ۳۰۳. ۸۴) بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۲۱، ح ۸۵. ۴۲) الغیبة، طوسی، ص ۳۲۰. ۸۶) همان، ص ۳۰۹. ۸۷) همان، ص ۳۲۰. ۸۸) ارشاد مفید، ج ۲، ص ۳۵۹. ۸۹) الغیبة، طوسی، ص ۳۱۶. ۹۰) همان، ص ۴۱۰. ۹۱) بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۳. ۹۲) بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۴۹. ۹۳) همان، ص ۳۳. ۹۴) انوار النعمانیة، ج ۳، ص ۲۴. ۹۵) بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۸. ۹۶) بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۴۶. ۹۷) کمال الدین، ص ۵۱۶. ۹۸) همان، ص ۵۱۰. ۹۹) همان، ص ۴۵۹ - ۴۶۳. ۱۰۰) همان، ص ۴۸۳. ۱۰۱) بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۵۱ - ۱۷۰. ۱۰۲) همان، ج ۹۹، ص ۸۱، ح ۱۰۳. ۱) کمال الدین، ص ۵۰۹. ۱۰۴) کافی، ج ۱، ص ۵۲۰. ۱۰۵) کمال الدین، ص ۵۱۰. ۱۰۶) همان، ص ۴۸۶. ۱۰۷) الغیبة، طوسی، ص ۲۸۷. ۱۰۸) بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۰۳، ح ۱۹. ۱۰۹) همان، ج ۵۱، ص ۲۹۵. ۱۱۰) کمال الدین، ص ۴۹۳. ۱۱۱) کافی، ج ۱، ص ۵۲۴. ۱۱۲) بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۲۸. ۱۱۳) دلائل الامامة، ص ۲۸۶. ۱۱۴) اثبات الهداة، ج ۳، ص ۶۹۹. ۱۱۵) الغیبة، طوسی، ص ۴۱۵. ۱۱۶) کافی، ج ۱، ص ۵۱۹. ۱۱۷) کمال الدین، ص ۵۲۰. ۱۱۸) بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۲۶۶. ۱۱۹) کمال الدین، ص ۵۰۹. ۱۲۰) کافی، ج ۱، ص ۵۲۳. ۱۲۱) کمال الدین، ص ۴۹۷. ۱۲۲) کافی، ج ۱، ص ۵۲۵. ۱۲۳) الغیبة، طوسی، ص ۲۸۵. ۱۲۴) بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۰ - ۲۲. ۱۲۵) جامع الرواة، ج ۲، ص ۶۳. ۱۲۶) کمال الدین، ص ۴۹۳. ۱۲۷) کافی، ج ۱، ص ۵۱۹. ۱۲۸) کمال الدین، ص ۴۹۴. ۱۲۹) الغیبة، طوسی، ص ۳۷۳.

(۱۳۰) کافی، ج ۱، ص ۵۲۱. (۱۳۱) الغيبة، طوسی، ص ۴۱۵. (۱۳۲) بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۹۷. (۱۳۳) احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۷. (۱۳۴) همان، ج ۲، ص ۴۹۸. (۱۳۵) رجال علامه، ص ۹۴. (۱۳۶) کمال الدین، ص ۴۹۵. (۱۳۷) بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۶. (۱۳۸) کافی، ج ۱، ص ۵۲۴. (۱۳۹) الغيبة، طوسی، ص ۳۱۵. (۱۴۰) کمال الدین، ص ۴۹۳. (۱۴۱) همان، ص ۴۸۸. (۱۴۲) بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۰۳. (۱۴۳) همان، ج ۵۳، ص ۱۸۴. (۱۴۴) کمال الدین، ج ۲، ص ۵۲۰، ح ۴۹؛ فقیه، ج ۱، ص ۴۹۸، ح ۱۴۲۷؛ تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۱۷۵، ح ۱۵۵؛ الإستبصار، ج ۱، ص ۲۹۱، ح ۱۰؛ الغيبة، طوسی، ص ۲۹۶، ح ۲۵۰؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۹۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ح ۱۸۲، ح ۱۱؛ وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۲۳۶، ح ۵۰۲۳. (۱۴۵) کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۵، ح ۱۰؛ الغيبة، شیخ طوسی، ص ۲۹۲، ح ۲۴۷؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۴؛ إعلام الوری، ج ۲، ص ۲۷۲؛ کشف الغمّة، ج ۳، ص ۳۴۰؛ الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۱۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱، ح ۱۰. (۱۴۶) کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۴، ح ۴؛ الغيبة، طوسی، ص ۲۹۰، ح ۲۴۷؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۳؛ إعلام الوری، ج ۲، ص ۲۷۱؛ کشف الغمّة، ج ۳، ص ۳۳۹؛ الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۱۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰، ح ۱۰. (۱۴۷) کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۵، ح ۴؛ الغيبة، طوسی، ص ۲۹۳، ح ۲۴۷؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۴؛ إعلام الوری، ج ۲، ص ۲۷۲؛ کشف الغمّة، ج ۳، ص ۳۴۰؛ الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۱۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱، ح ۱۰. (۱۴۸) کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۴، ح ۱۰؛ الغيبة، شیخ طوسی، ص ۲۹۱، ح ۲۴۷؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۴؛ إعلام الوری، ج ۲، ص ۲۷۱؛ کشف الغمّة، ج ۳، ص ۳۳۸؛ الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۱۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱، ح ۱۰؛ وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۱۴۰، ح ۳۳۴۲۴. (۱۴۹) کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۵، ح ۱۰؛ الغيبة، شیخ طوسی، ص ۲۹۲، ح ۲۴۷؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۴؛ إعلام الوری، ج ۲، ص ۲۷۲؛ کشف الغمّة، ج ۳، ص ۳۴۰؛ الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۱۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱، ح ۱۰. (۱۵۰) احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۳؛ الخرائج و الحرائج، ج ۲، ص ۹۰۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵، ح ۷. (۱۵۱) احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷، ح ۸. (۱۵۲) احتجاج، ج ۲، ص ۳۰۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۶۱، ح ۳؛ وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۴۹۰، ح ۸۵۱۴. (۱۵۳) احتجاج، ج ۲، ص ۳۱۲؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۶۵، ح ۴. (۱۵۴) کمال الدین، ص ۵۲۱، ح ۴۹؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۹۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۳، ح ۱۱؛ وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۵۴۰ و ۵۴۱، ح ۱۲۶۷۰. (۱۵۵) الغيبة طوسی، ص ۲۸۶، ح ۲۴۵؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۷۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰، ح ۹. (۱۵۶) رجال کَشّی، ج ۲، ص ۸۱۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۳۱۸ و ۳۱۹، ح ۱۵؛ وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۳۸، ح ۶۱. (۱۵۷) کمال الدین، ص ۴۸۴، ح ۳؛ الغيبة، طوسی، ص ۲۹۰، ح ۲۴۷؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۳؛ کشف الغمّة، ج ۳، ص ۳۳۹؛ إعلام الوری، ج ۲، ص ۲۷۰؛ الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۱۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰، ح ۱۰. (۱۵۸) کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۵، ح ۱۰؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱، ح ۱۰. (۱۵۹) الغيبة، طوسی، ص ۲۹۴، ح ۲۴۸؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۵؛ بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۳۲۹، ح ۴. (۱۶۰) احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۳ و ۳۲۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶، ح ۷. (۱۶۱) الغيبة، طوسی، ص ۲۸۸، ح ۲۴۶؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۹۴، ح ۲۱. (۱۶۲) الغيبة طوسی، ص ۲۸۸، ح ۲۴۶؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۹۴ و ۱۹۵، ح ۲۱. (۱۶۳) مصباح، کفعمی، ص ۳۹۶. (۱۶۴) کمال الدین، ج ۲، ص ۵۱۱، ح ۴۲؛ الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۱۱؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۹۱، ح ۱۹. (۱۶۵) کمال الدین، ج ۲، ص ۵۱۱، ح ۴۲؛ الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۱۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۹۰ و ۱۹۱، ح ۱۹. (۱۶۶) الغيبة، طوسی، ص ۲۸۷، ح ۲۴۶؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۷۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۹۳، ح ۲۱. (۱۶۷) احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۹؛ بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۲۶۷، ح ۹. (۱۶۸) الغيبة، طوسی، ص ۲۸۶، ح ۲۴۵؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۷۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۹، ح ۹. (۱۶۹) دلائل الإمامة، ص ۵۲۴، ح ۴۹۵؛ مدينة المعاجز، ج ۸، ص ۱۰۵، ح ۲۷۲۰. (۱۷۰) کمال الدین، ج ۲، ص ۵۲۰، ح ۴۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۲، ح ۱۱. (۱۷۱) احتجاج، ج ۲، ص ۳۱۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷، ح ۸. (۱۷۲) کمال الدین، ج ۲، ص ۵۱۱، ح ۴۲؛ الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۱۰، ح ۲۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۹۱، ح ۱۹. (۱۷۳) احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷، ح ۸. (۱۷۴) الغيبة شیخ طوسی، ص ۲۸۶، ح ۲۴۵؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۷۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۹، ح ۹. (۱۷۵) الغيبة، طوسی، ص ۲۷۱، ح ۲۳۶؛ احتجاج، ج ۲،

ص ۲۹۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۶، ح ۱۲؛ وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۲۰۱، ح ۴۹۱۹.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۰۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۱۰۹ امور کاربران ۰۳۱۱-۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

